

اناجیل

درس
چهارم

انجیل به روایت لوقا



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.**

In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries.

Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: اناجیل (درس شماره ۴: انجیل به روایت لوقا)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیشینه

نویسنده

دیدگاه سنتی
سرگذشت شخصی

مخاطب اولیه

تئوفیلوس
مخاطب گسترده‌تر

موقعیت

تاریخ
هدف

(۳) ساختار و محتوا

آغاز ماموریت عیسی

اعلام تولد
تولد و کودکان
شناختن عیسی توسط یحیی
تایید پسر خدا

خدمت عیسی در جلیل

موعظه در ناصره
تعلیم و معجزات
یحیای تعمیددهنده
تعلیم و معجزات
آماده کردن دوازده رسول

سفر عیسی به اورشلیم

ماهیت شاگردی
تشدید اختلاف

بهای شاگردی
تعهد عیسی

خدمت عیسی در اورشلیم و حوالی آن
مصلوب شدن و قیام عیسی

بازداشت، محاکمه و مرگ
قیام و صعود

(۴) مضامین اصلی

توصیف نجات

خدای نجات‌دهنده

قدرت خدا

نقشه‌ی خدا

پسر خدا

نجات‌یافتگان

(۵) نتیجه‌گیری

انجیل به روایت لوقا

مقدمه

چند سال قبل، اخبار اعلام کرد که گروهی از مردم در یک ساختمان اداری که در حال سوختن بود گرفتار شده بودند. بعد جوانی خود را به داخل اتاق انداخت و افراد با دنبال کردن صدای او از آتش نجات پیدا کردند. داستان‌های شنیده شده از نجات‌یافتگان این حادثه نشان داد که این مرد جوان مامور داوطلب آتش‌نشانی بود که اتفاقاً در همان ساختمان کار می‌کرد. با اینکه او جان خودش را در آتش از دست داد ولی مطمئناً جان بسیاری را از مرگ حتمی نجات داد.

لوقا، بیشتر از سایر نویسندگان اناجیل، عیسای نجات‌دهنده را توصیف و به تصویر می‌کشد. چه به این نتیجه رسیده باشیم یا نباشیم، انسانیت سرگردان و درمانده، تنها و بی‌کس و ناامید شده است. ما هم راه فراری از دست دآوری خدا نداریم. اما انجیل لوقا به ما یادآوری می‌کند که عیسی به قیمت جان خود به این جهان آمد و ما را نجات داد.

این چهارمین درس از مجموعه درس‌های اناجیل با عنوان انجیل به روایت لوقاست. در این درس، بررسی خواهیم کرد که چگونه باید سومین انجیل عهدجدید را با درک بهتری مطالعه کنیم و تعالیم آن را در زندگی خودمان به کار ببندیم.

ما در سه مرحله انجیل لوقا را بررسی خواهیم کرد. اول، به پیشینه انجیل لوقا نگاهی خواهیم انداخت. در مرحله دوم، ساختار و محتوای آن را کند و کاو خواهیم کرد. و در مرحله سوم، به مضامین اصلی آن نگاهی خواهیم کرد. بیایید درس را با نگاهی به پیشینه انجیل لوقا آغاز کنیم.

پیشینه

ما در بررسی پیشینه انجیل لوقا، نویسنده، مخاطب اصلی و انگیزه و چگونگی نگارش این انجیل را بررسی خواهیم کرد. بیایید اول نویسنده کتاب را بشناسیم.

نویسنده

در آغاز باید اشاره کنیم که انجیل لوقا عموماً به عنوان اولین بخش از مجموعه‌ای دوجلدی شناخته می‌شود که کتاب اعمال رسولان بخش دوم این مجموعه به شمار می‌آید. به همین دلیل، سوالات مربوط به نویسنده لوقا با

سوالات مرتبط به نویسنده کتاب اعمال رسولان در هم تنیده شده است. به بخش ابتدایی انجیل لوقا در لوقا ۱:۱-۴ گوش کنید:

از آنجا که بسیاری دست به تألیف حکایت اموری زده‌اند که نزد ما به انجام رسیده است، درست همان گونه که آنان که از آغاز شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما سپردند، من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم، تا از درستی آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید (لوقا ۱: ۱-۴، ترجمه هزاره نو)

حال این قسمت را با مقدمه ابتدایی مشابه موجود در کتاب اعمال رسولان ۱: ۱-۲ مقایسه کنید:

ای تئوفیلوس، من کتاب نخست خود را در باب همه اموری تألیف کردم که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادنشان آغاز کرد تا روزی که به واسطه روح القدس دستورهایی به رسولان برگزیده خود داد و سپس به بالا برده شد (اعمال رسولان ۱: ۱-۲، ترجمه هزاره نو)

هر دوی این مقدمه‌ها اشاره می‌کنند که نویسندگانی این کتاب‌ها را خطاب به شخصی به نام تئوفیلوس نوشته است. مقدمه موجود در کتاب اعمال رسولان به کتاب قبلی اشاره دارد. این موضوع باعث شده که بیشتر محققین به این نتیجه برسند که کتاب قبلی یا اول، همان انجیل لوقا بوده است. مدرک دیگری نیز برای اثبات این ادعا وجود دارد که یک شخص هر دوی این کتاب‌ها را نوشته است. سبک نوشتار یونانی لوقا به سبک یونانی کتاب اعمال رسولان شبیه است اما با سبک اناجیل دیگر بسیار متفاوت است. همچنین این دو کتاب بر مضامین مشابهی از قبیل هدیه همگانی انجیل، کار روح القدس، قدرت غیرقابل مقاومت اراده و کلام خدا، و توصیفات مکرر کار «نجات» مسیح تأکید می‌کنند. پس اگر فرض کنیم این دو کتاب را یک شخص نوشته باشد، خود این شخص کیست؟

ما نویسنده سومین انجیل را در دو مرحله مورد بررسی قرار خواهیم داد. اول، به دیدگاه سنتی که معتقد است که این انجیل توسط شخصی به نام لوقا نوشته شده می‌پردازیم و در مرحله دوم، تاریخچه زندگی شخصی لوقا را بررسی می‌کنیم. بیایید اول به نگاه سنتی که معتقد است لوقا این انجیل را نوشته نگاه می‌کنیم.

دیدگاه سنتی

انجیل لوقا از لحاظ اصول فن نگارش، نویسنده‌ای ناشناس دارد چون هیچ ذکر از نام نویسنده آن نیامده است. اما این زیاد تعجب‌آور نیست. تئوفیلوس قطعا می‌دانست که نویسنده چه کسی بوده بنابراین هیچ دلیلی نداشته که نویسنده به اسم خود اشاره کند. البته، چندین منبع اطلاعاتی درباره هویت نویسنده در دسترس است. دست کم سه دسته از شواهد برای تایید دیدگاه سنتی که نام لوقا را تایید می‌کند وجود دارد. اول، نظرات موجود در سایر بخش‌های عهدجدید که بر نویسندگی او صحنه می‌گذارند.

عهدجدید اشاره می‌کند که نویسنده انجیل سوم در سال‌های آخر خدمت پولس با او همراه بود. برای نمونه، در کتاب اعمال رسولان، نویسنده بعضی وقت‌ها داستان را از نگاه سوم شخص روایت می‌کند و از ضمیر «آنها» و در سایر موارد از ضمیر اول شخص جمع «ما» استفاده می‌کند. آخرین نمونه استفاده از اول شخص در روایت در اعمال رسولان ۲۷: ۱-۲۸: ۱۶ دیده می‌شود که به سفر پولس به روم اشاره دارد.

علاوه بر این موضوع، رسالات پولس نشان می‌دهند که لوقا یکی از چند همکار معدودش بود که در آن دوران او را همراهی می‌کرد. برای نمونه، در دوم تیموتائوس ۴: ۱۱، وقتی مرگ پولس نزدیک می‌شود، پولس به تیموتائوس می‌گوید: «تنها لوقا با من است.» اطلاعاتی از این دست ثابت نمی‌کند که لوقا انجیل سوم و کتاب اعمال را نوشته باشد ولی احتمال آن را بالا می‌برد.

دوم اینکه، نسخه‌های اولیه انجیل لوقا نیز به لوقا به عنوان نویسنده اشاره می‌کنند.

مشخص کردن قدمت تاریخی نوشته‌های اولیه دانش تکنیکی بالایی رو می‌طلبد. در واقع فقط سه مدرک در دست ماست که محققین از آنها برای مشخص کردن قدمت نوشته‌های باستانی استفاده می‌کنند. اولی که مهم‌ترین اونها هم هست- البته این دانشجوها را هم بعضا متعجب می‌کند- علم دیرینه‌شناسی متنی است. دیرینه‌شناسی متنی به نوشته‌های باستانی اشاره می‌کند که در انگلیسی به اون «پیلیوگرافی» می‌گن. «پیلیو» یعنی قدیمی و «گرافی» یعنی نوشته؛ پس همان علم دیرینه‌شناسی خطی یا متنی. محققین و متخصصین دیرینه‌شناسی بعضا با خطای در حد یک یا دو دهه، اما پنجاه سال این طرف یا آن طرف میتونن قطعا بگن که یک متن چه زمانی نوشته شده چون خط نوشتاری در طول زمان در یک زبان مشخص معمولا تغییر پیدا می‌کند. بعضی اوقات خود الفبا هم تغییر پیدا می‌کند؛ البته منظورم نوع نوشتن الفباست، اما قطعا روش نوشتن چیزها تغییر می‌کرده که به این دیرینه‌شناسی متنی می‌گن. دومین روش، نوعی آنالیز شیمیایی است. برای مثال، تاریخ‌سنجی کربن ۱۴ یا آزمایش دیگری که مرکب یا پوست حیوان یا هر چیز دیگری که بر روی آن نوشته شده را آزمایش می‌کنن تا قدمت اونرو تعیین کنند. سومین روش تعیین قدمت تاریخی متن هر گونه نظر و عقیده مربوط خارج از متن است. کاتبانی که نوشته‌ها را بازنویسی می‌کردند به ندرت تاریخی روی آنها می‌نوشتند اما بعضی وقت‌ها نظر یا نشانه‌ای روی متن می‌نوشتند که ممکن است به ما

کمک کند به طور مشخص تاریخ متن بازنویسی شده را مشخص کنیم. این سه روشی است که معمولاً برای تعیین تاریخ متن، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- دکتر مارک استراوس

یکی از قابل اعتمادترین نسخ اولیه انجیل لوقا پاپیروس شماره ۷۵ است که اغلب به نام «پی-۷۵» شناخته می‌شود. این نوشته به تاریخ ۱۸۰ بعد از میلاد برمی‌گردد و شامل بیشتر قسمت‌های انجیل لوقا در مقایسه با نسخه‌های اولیه دیگر است و عنوان آن «به روایت لوقا» است.

بسیاری از نوشته‌های باستانی دیگر نیز لوقا را به عنوان نویسنده این انجیل می‌شناسند و تقریباً هیچ نوشته‌ای این انجیل را به کس دیگری منتسب نمی‌کند. سوم اینکه، نوشته‌های کلیسای اولیه نیز لوقا را به عنوان نویسنده انجیل می‌شناسند.

مدارک مهمی از کلیسای اولیه مکرراً نویسنده انجیل سوم را به لوقا نسبت می‌دهند. قطعه موراتوربین که به ۱۷۰ تا ۱۸۰ بعد از میلاد بر می‌گردد، اولین مدرک شناخته شده فهرست کتب عهدجدید است که کلیسای اولیه آن را جزو کتب کائنی یا قانونی شناخته، به صراحت لوقا را به عنوان نویسنده انجیل سوم تایید می‌کند.

یکی دیگر از شواهد باستانی موجود به نام پیش‌درآمد ضد مارسیونی انجیل لوقا که در تاریخ ۱۶۰ تا ۱۸۰ میلادی نوشته شده که نظر مارسیون را در این مورد رد می‌کند. این مدرک تاریخی انجیل لوقا را اینچنین معرفی می‌کند:

لوقا، اهل انطاکیه سوریه و به کار طبابت بوده و یکی از شاگردان رسولان بوده است. در سال‌های پسین به همراهی پولس درآمد... لوقا تحت نبض روح‌القدس، کل انجیلش را در منطقه اخائیه نگاشت.

علاوه بر این، بسیاری از رهبران قرن دوم و سوم کلیسا، لوقا را به عنوان نویسنده انجیل سوم قلمداد می‌کردند. برای مثال، آرنیوس که بین سال‌های ۱۳۰ تا ۲۰۲ میلادی زندگی می‌کرد؛ کلمنت اسکندریه که حوالی سال‌های ۱۵۰ تا ۲۱۵ زندگی می‌کرد؛ و ترتولیان که در بین سال‌های ۱۵۵ تا ۲۳۰ میلادی زندگی می‌کرد به نویسنده انجیل لوقا اذعان داشتند.

فکر می‌کنم ما می‌تونیم با اطمینان کامل لوقا را به عنوان نویسنده انجیل سوم بشناسیم. از کتاب اعمال رسولان به این نکته پی می‌بریم که لوقا پزشک بوده و در اصل پولس وقتی از بالای آسیای صغیر رد می‌شد در راه در جایی به اسم ترواس با او روبرو می‌شه. پولس لوقا را ملاقات می‌کنه و بعد آنها با هم به فیلیپه سفر می‌کنند و به احتمال

زیاد لوقا در همان فیلیپه می‌مونه و کار طبابتش را انجام میده و بعد دوباره در راه سفر پولس از فیلیپه به سمت اورشلیم در سال ۵۷ میلادی به او ملحق میشه. پس تصویری که عهد جدید از لوقا ارائه می‌ده، کسی است که پولس را خوب می‌شناخته، با او سفر می‌کرده و همه شواهد و قراین بر اینه که این لوقا همان شخصی است که انجیل لوقا را نوشته.

- دکتر پیتر واکر

اگر بخواهیم فقط اسم همراه پولس را حدس بزنینم، احتمالاً اسم لوقا به ذهن متبادر نمی‌شه. او در رسالات پولس شخصیت برجسته‌ای نیست. شاید اسم تیطس یا کس دیگری به ذهن بیاد. بنابراین تنها واقعیت موجود که او شخصیت برجسته‌ای در رسالات پولس ندارد به این نکته اشاره می‌کنه که نسبت دادن نام لوقا به انجیل و کتاب رسولان احتمالاً درست بوده. ولی فکر می‌کنم که دلیل خوبی برای این وجود داره که اسامی اشخاصی که انجیل به آنها نسبت داده شده به مرحله بسیار اولیه‌ای بر می‌گرده که انجیل در آن زمان دست به دست بین افراد می‌گشته. پس فکر می‌کنم موضوع نسبت دادن این کتاب به لوقا به همراه این امر که همان نویسنده کتاب اعمال که پولس را همراهی می‌کرده بوده احتمال اینکه نویسنده هر دو کتاب همان لوقایی بوده که در بعضی سفرها همراه و همکار پولس بوده را بسیار بالا می‌برد.

- دکتر ریچارد باکم

حالا که دیدگاه سنتی نگارش انجیل لوقا را بررسی کردیم، بیایید به تاریخچه شخصی لوقا نیز نگاهی بیندازیم.

سرگذشت شخصی

عهد جدید دست کم چهار نکته اصلی درباره زندگی شخصی لوقا را به ما می‌گوید. اول، او رسول نبود. در واقع، لوقا به نظر نمی‌رسد که شاهد عینی وقایعی باشد که گزارش آن را داده است. به جزئیاتی که در آیات اول و دوم باب اول لوقا آمده گوش کنید:

از آنجا که بسیاری دست به تألیف حکایت اموری زده‌اند که نزد ما به انجام رسیده است، درست همان‌گونه که آنان که از آغاز شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما سپردند (لوقا ۱: ۱-۲).

انجیل لوقا تنها انجیلی از میان چهار انجیل است که نوعی مقدمه‌ای دارد که یک مورخ، اغلب برای معرفی یک کار تاریخی آن را می‌نویسد. بنابراین این مقدمه بیشتر اشاره می‌کند که لوقا به طور خاص آگاهانه روش تاریخی زمانه خود را به کار برده و او از منابع مورد استفاده در مقدمه‌اش حرف می‌زند. ادعا نمی‌کند که خودش شاهد عینی بوده اما ادعا می‌کند که با شاهدان عینی صحبت کرده و آنها را ثبت کرده. پس ما ادعای او مبنی بر شهادت‌های شاهدان عینی را در اختیار داریم. اما بعد از آن یک دوره‌ای هست که بعد از اینکه پولس به اورشلیم می‌رسد و در سفر آخرش به اورشلیم لوقا همراه اوست؛ پولس تقریباً دو سال در زندان است. و به نظر می‌رسد که انگار لوقا در این دوره دو ساله در اورشلیم و سایر قسمت‌های فلسطین اینجا و آنجا است و فرصت کافی یعنی چیزی حدود دو سال وقت دارد که مثل یک مورخ قدیمی با شاهدان عینی که عضو کلیسای اورشلیم بودند مصاحبه کند، اشخاصی مثل یعقوب، برادر مسیح، که در آن زمان در آنجا بود. بعضی از ۱۲ رسول نیز یا در حوالی اورشلیم یا بخش‌های دیگر فلسطین بودند. پس لوقا در موقعیت بسیار خوبی بوده که با شاهدان عینی مصاحبه کرده باشد. و بعد از آن، البته، به همراه پولس به روم میرد که با افرادی دیگری بر می‌خورد که احتمالاً روایت خودشان را از آنچه از داستان مسیح به یاد داشتند برای او نقل کردند. پس فکر می‌کنم می‌تونیم بگیم که لوقا در موقعیت بسیار خوبی قرار داشت تا با شاهدان عینی دست اول تماس برقرار کند.

- ریچارد باکم

دوم اینکه، لوقا هم به نظر می‌آید جزو کسانی است که با اُم‌ها به مسیحیت گرویده باشد. وقتی پولس از زندان به کولسیان نامه می‌نوشت، از طرف لوقا هم که در آن زمان با پولس بود به آنها سلام فرستاد. به نوشته پولس در کولسیان باب ۴ آیه ۱۴ گوش کنید:

لوقا پزشک محبوب و همچنین دیماس شما را سلام می‌فرستند (کولسیان ۴: ۱۴).

این موضوع مهمی است چون در آیات ۱۰ و ۱۱، پولس گفته بود که آریستاخوس، مرقس، و یوستوس تنها یهودیانی هستند که در آن زمان با پولس همکاری می‌کردند. پس، این نتیجه‌گیری منطقی است که لوقا جزو اُم‌ها باشد. این موضوع با واقعیت موجود در اعمال رسولان ۱: ۱۹ تأیید می‌شود که لوقا از زبان آرامی به عنوان «زبان آنها» یاد می‌کند. آرامی زبان یهودیان بود ولی زبان خود لوقا نبود. سوم اینکه، لوقا به نظر می‌رسد که شخص تحصیل کرده‌ای است. بسیاری از کتاب‌های عهد جدید به سبک یونانی نسبتاً معمولی نوشته شده‌اند. اما نوعی پیچیدگی در استفاده از زبان در انجیل لوقا دیده می‌شود.

اینکه لوقا شخص تحصیل کرده‌ای بود نیز از شناخت پولس از او به عنوان «پزشک» در کولسیان ۴: ۱۴ دیده می‌شود. با اینکه پزشکی شاخه علمی رسمی در دوران عهدجدید در مقایسه با دنیای امروز نبود ولی با این همه هنوز فردی با مهارت، استعداد و درجه‌ای از یادگیری را می‌طلبید.

نکته چهارم درباره تاریخچه شخصی لوقا این است که او خادم همکار پولس در بسیاری از موقعیت‌هایی است که در کتاب اعمال رسولان به آن اشاره شده است.

همچنین پولس در آیه ۲۴ فلیمون لوقا را «همکار» خود توصیف می‌کند. طبق اعمال رسولان ۱۶: ۶-۱۰، لوقا اول در تروآس به پولس ملحق شد و بعد از آن، او بعد از قبول دعوت بشارتی عازم مقدونیه شدند. از آن نقطه به بعد لوقا اغلب با پولس بود، به جز اقامت طولانی در فیلیپه که در اعمال رسولان ۱۶: ۴۰-۲۰: ۵ به ثبت رسیده است. وفاداری لوقا به طور خاص در اعمال ۲۷: ۱ هنگام ملحق شدن او به پولس در سفر پرمخاطره به روم نشان داده شده است.

فکر می‌کنم از بین همه افراد عهد جدید، دوست دارم لوقا را ببینم. دوره‌ای بود که می‌خواستم دکتر بشم و همیشه این منو وسوسه می‌کرد. وقتی نوبت به لوقا می‌رسد که شایستگی نوشتن یکی از اناجیل رو داره، به نظرم، چند چیز وجود داره که در چارچوب نگاه من در این مورد می‌گنجه. اول اینکه، این کار فقط یک کار شخصی بوده. در اعمال رسولان باب ۱۶، لوقا از «ما» حرف می‌زنه. یکدفعه می‌بینید که خود او هم در داستان قرار می‌گیره؛ این نیست که گزارش دست دومی را داره به ما میگه. در اصل لوقا به جمع افرادی و اتفاقات موجود ملحق می‌شه و اونها فرصت این رو پیدا می‌کنن که دوران اولیه مسیحیت رو تجربه کنن. فکر می‌کنم این چیزه خیلی هیجان‌انگیزیه. نکته دوم اینکه که او یک دکتره. من که خودم می‌خواستم یه دکتر بشم، می‌دونم که لوقا مثل کسی است که می‌خواد تشخیص درست بده. دکترها می‌خوان در نشان دادن واقعیت‌ها دقت نظر زیادی به خرج بدن، می‌دونن که می‌خوان در جزئیات دقیق باشن چون نتیجه‌گیری اونها به قولی به سود بیمار اونهاست. احتمالاً سومین نکته‌ای که درباره لوقا به نظرم میاد اینه که دیدگاه او در سفر، یک دنیای یونانی - رومی بوده. دیدگاه او در روایت انجیل به اسرائیل و فلسطین محدود نمی‌شه. نگاه او جهانی است. در دنیایی که ما نگران این هستیم که انجیل مسیحی جهانی باشه، می‌تونیم لوقا را با درک واقعی بخوانیم چون فرصتی برای او فراهم شده بود که در یونان و روم و سایر دنیای یونانی - رومی زندگی کنه. او فرصت این رو داشته تا درک کنه چطور پیام عیسی را به فرهنگی که پیام به او داده می‌شه به طور عملی انتقال بده.

- دکتر استیو هارپر

بعد از اینکه به نویسنده انجیل سوم پرداختیم، بیایید با هم به هویت مخاطبین اولیه لوقا نگاهی بیندازیم.

مخاطب اولیه

ما به دو روش مخاطب اولیه لوقا را بررسی خواهیم کرد. اول، به اشاره مستقیم لوقا و تقدیم کتاب به تئوفیلوس نگاهی می‌اندازیم. دوم، به این احتمال که لوقا مخاطب گسترده‌تر را نیز در نظر داشته نیز می‌پردازیم. بیایید کار را با نگاهی با تئوفیلوس به عنوان خواننده اول لوقا شروع کنیم.

تئوفیلوس

در طی قرن‌ها بحث‌های خیلی زیادی روی این بوده که تئوفیلوس «که» بوده و آنچه در لوقا ۱: ۱-۴ آمده، به چه کسی اشاره شده و البته اسم او در اعمال ۱: ۱-۲ هم آمده. خود کلمه تئوفیلوس یعنی «دوستدار خدا» و به همین دلیل خیلی‌ها فکر کردند که شاید تئوفیلوس یک آدم واقعی نیست بلکه نشان‌دهنده خوانندگان لوقاست که اصولاً باید دوستداران خدا در کلیسا باشند. احتمال اصلی دیگری هم هست که تئوفیلوس یک آدم حقیقی است. بسیاری از محققین، و به همین دلیلی که میارم که من هم با نظر دوم موافقم، به گزینه دوم معتقدند چون لوقا او را «عالیجناب» یا «کراتیستا» خطاب می‌کند و لوقا بعدها در جای دیگری از همین کلمه کراتیستا برای اشاره به مقامات رومی مثل فلیکس و آگریپا استفاده می‌کند. بنابراین به طور واضح در ذهن لوقا اصطلاح ویژه‌ای بوده که به فردی در مقام بالا اشاره می‌کرده و احتمالاً منظور او کسی با مقام بالا در دولت روم بوده. علاوه بر این، لوقا ۱: ۱-۴ به نظر تقدیم یک اثر به شخص خاصی نیست و در گروه نوع ادبی قرار می‌گیرد که در قسمت اول آن مقدمه، به کسی تقدیم شده. آثار تاریخی اغلب با استفاده از این نوع زبان به فردی صاحب مقام تقدیم می‌شده، کسی که هزینه تولید آن اثر را پرداخت می‌کرده. پس با این حساب، در اصل این نوشته نوعی عبارت تقدیمی است و همانطور که گفتم تقریباً مطمئنم که تئوفیلوس یک فرد حقیقی بوده.

- دیوید بائور

مقدمه لوقا اشاره می‌کند که تئوفیلوس حامی مالی او بوده، یعنی کسی که نوشته‌های او را مورد حمایت مالی خود قرار داده است. در لوقا ۱: ۳، لوقا نوشته خود را خطاب به «عالیجناب تئوفیلوس» یا «کراتیسته تئوفیله» آغاز می‌کند. کلمه کراتیسته اصطلاحی است که به افراد صاحب مقام اطلاق می‌شد. در اصل، این عبارت برای توصیف تنها دو شخص دیگر در کل عهدجدید استفاده شده است: فرمانداران رومی فلیکس و فسٹوس. اگر تئوفیلوس یک مقام ارشد رومی نبود، بدون شک فردی صاحب منصب و مهم بود.

اما رابطه بین لوقا و تئوفیلوس پیچیده‌تر از رابطه یک حامی مالی بود. به نوعی، تئوفیلوس شاگرد لوقا نیز بود. در لوقا ۱: ۳-۴ می‌خوانیم:

من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم، تا از درستی آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید (لوقا ۱: ۳-۴، ترجمه هزاره نو)

تئوفیلوس از قبل عیسای مسیح را می‌شناخته است. اما لوقا این نسخه کامل‌تر و منظم‌تر از روایت زندگی عیسی را نوشت تا تئوفیلوس از آنچه تعلیم دیده بود اطمینان حاصل کند. بعد از اینکه دیدیم لوقا به طور مشخص نام تئوفیلوس را به عنوان مخاطب اولیه خود آورد، نگاه به لوقا به مخاطب گسترده‌تر هم خالی از فایده نخواهد بود.

مخاطب گسترده‌تر

دلایل زیادی وجود دارد که فکر کنیم لوقا برای مخاطب گسترده‌تری از تئوفیلوس نوشته باشد. اولین نکته این است که مسیحیان اولیه تمایل داشتند تا نامه‌ها و سایر نوشته‌های‌شان را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. برای نمونه به نوشته پولس در کولسیان ۴: ۱۶ گوش کنید:

پس از آنکه این نامه برای شما خوانده شد، ترتیبی دهید که در کلیسای لائودیکیه نیز خوانده شود؛ شما نیز نامه به لائودیکیه را بخوانید (کولسیان ۴: ۱۶).

از آنجایی که مسیحیان اولیه تمایل داشتند نوشته‌های خود را به اشتراک بگذارند، به نظر منطقی می‌رسد فرض بگیریم که تئوفیلوس هم راغب بوده که کتاب‌های لوقا را به اشتراک بگذارد. علاوه بر این، سبک بسیار ادبی انجیل هم دلیل دیگری است که تقریباً به قطع می‌توان گفت که لوقا مخاطب گسترده‌تری را در ذهن داشته است. سبک کار، نوشته‌ای خصوصی نبوده که فقط یک نفر را مد نظر داشته باشد. تحقیق تاریخی گسترده‌ای که لوقا در باب ۱ آیه ۳ به آن اشاره می‌کند نیز به مخاطبی گسترده‌تر اشاره می‌کند و علاوه بر این، متن طولانی انجیل و کتاب اعمال رسولان نیز حاکی از این دارد که لوقا اثر بزرگی را برای مخاطب بزرگی در نظر داشته است. اما این مخاطب بزرگ کیست؟ به نظر می‌آید به احتمال قوی لوقا برای مسیحیان اُمّت‌ها نوشته باشد. برای مثال، سبک نگارش یونانی او شبیه امتهاست. و تاکید او بر هدیه همگانی انجیل پادشاهی خدا بر این نکته صحنه گذاشته تا نجات برای همه

قوم‌هاست. البته که انجیل لوقا برای مسیحیان یهودی نیز ارزشمند بوده اما مثل انجیل متی، فقط یهودیان در این انجیل مورد خطاب قرار نگرفتند.

در کل، خدا همیشه خواسته است که کل کتاب مقدس توسط همه اقوام در طول تاریخ خوانده و درک شود. اما مهم است که بدانیم وقتی روح القدس نویسندگان خاصی را مورد الهام خود قرار می‌دهد تا کتاب‌های خاصی بنویسند، از طریق شخصیت و علایق فردی آنها عمل می‌کند. به این معنا که لوقا انجیل خود را طوری طراحی کرد که بیشتر نیازهای تئوفیلوس و سایر مسیحیان امت‌های قرن اول میلادی را مورد نظر داشت. در مقایسه، مخاطبان امروزی نوشته‌های لوقا را با فاصله و از دور می‌شنوند. اما اگر ما لوقا و مخاطبان اولیه او را هنگام خواندن انجیلش در نظر بگیریم، آمادگی بهتری برای درک نوشته‌های او و به کار بستن آنها در زندگی خودمان خواهیم داشت. حال که نویسنده و مخاطب انجیل لوقا را شناختیم، به بحث راجع به موقعیت آن می‌پردازیم.

موقعیت

ما به موقعیت انجیل لوقا از دو نگاه خواهیم پرداخت. اول، تاریخ نگارش را بررسی خواهیم کرد و دوم، به هدف لوقا از نوشتن انجیل خواهیم پرداخت. بیایید کار را با تاریخ انجیل لوقا شروع کنیم.

تاریخ

دست‌کم دو عامل به تاریخی بین ۶۵ و ۶۷ میلادی اشاره می‌کنند. اول، مقایسه بین انجیل لوقا و انجیل مرقس محققین عهد جدید را به این سمت سوق داده تا بر این عقیده باشند که لوقا از انجیل مرقس به عنوان یکی از منابع تحقیقی خود استفاده کرده است. در درس قبلی درباره انجیل مرقس، ما به این نتیجه رسیدیم که اولین تاریخ احتمالی برای مرقس سال ۶۴ میلادی است. اگر لوقا از مرقس به عنوان منبع استفاده کرده باشد، پس اولین تاریخ احتمالی برای انجیل او باید زمانی بین این تاریخ یعنی احتمالاً ۶۵ میلادی باشد.

دوم اینکه، کتاب اعمال رسولان قطعاً به تاریخی بعد از ۶۹ میلادی بر نمی‌گردد و احتمالاً به تاریخی بعد از ۶۷ میلادی نیز بر نمی‌گردد. اعمال رسولان وقایع مهم را ثبت نمی‌کند. مثلاً شهادت پولس که در تاریخ تقریبی ۶۵ میلادی اتفاق افتاد یا جفای نرون که در سال ۶۸ میلادی به پایان رسید؛ یا سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی. این حذفیات مهم حاکی از این است که لوقا کتاب اعمال را پیش از این اتفاقات نوشته است یا دست‌کم قبل از اینکه از این وقایع مطلع شده باشد. طبق اعمال رسولان ۱: ۱، انجیل لوقا حتی قبل از نوشتن کتاب اعمال نوشته شده بود. بنابراین، احتمال بیشتری می‌رود که لوقا انجیلش را قبل از سال ۶۷ میلادی به اتمام رسانده باشد و به احتمال قریب به یقین آن را قبل از ۶۹ میلادی و قبل از سقوط اورشلیم به پایان رسانده است.

حال که تاریخ نگارش کتاب را بررسی کردیم، بیایید به هدف لوقا نگاهی بیندازیم.

هدف

در لوقا ۱: ۳-۴، لوقا دلایل زیر را برای تحقیق و نوشتن انجیل بیان می‌کند:

من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم، تا از درستی آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید (لوقا ۱: ۳-۴).

لوقا برای تئوفیلوس و مسیحیان امت‌های شبیه خود نوشت تا ایمان نوپای آنها در عیسای مسیح یهودی را تقویت کند.

زمانی که لوقا می‌نوشت، مسیحیان امت‌ها مثل تئوفیلوس چالش ایمانی بزرگی را پیش روی خود داشتند. این چالش‌ها از دست‌کم دو منبع ناشی می‌شدند. اول اینکه، جفای نرون بر مسیحیان در روم، ترس از جفا و گسترش آن در سراسر امپراتوری را دامن زده بود و این ترس باعث شده بود که عده‌ای از مردم به ادعای مسیحیان که عیسی پادشاهی خدا را برقرار کرده شک کنند.

دوم اینکه، مسیحیان بر سر موقعیت امت‌هایی که مسیحی شده بودند در برابر کلیسای بزرگ یهودیان بحث و جدل می‌کردند و این تعصب و جدایی باعث ایجاد شک بر این ادعا شده بود که عیسی نجات را برای همه اقوام بشر به ارمغان آورده است.

در پاسخ به این تردیدها، لوقا برای اطمینان بخشیدن به ایمانداران امت‌ها که دست به پیروی از مسیح زده بودند نامه نوشت: اینکه عیسی واقعا پادشاهی خدا را برقرار کرده بود و امت‌های مسیحی واقعا جزو اعضای خانواده‌ی الهی خدا قرار می‌گرفتند و اگر به عیسی وفادار بمانند، می‌توانند اطمینان حاصل کنند که از برکات نجات بهره‌مند خواهند شد.

حال که پیشینه انجیل لوقا را بررسی کردیم، بیایید به دومین موضوع اصلی یعنی ساختار و محتوا بپردازیم.

ساختار و محتوا

از درس‌های قبلی در این مجموعه از دروس به یاد دارید که هر چهار انجیل در مقیاسی بزرگتر زندگی عیسی را با توجه به ترتیب زمانی در نظر داشتند. اما در مقیاسی کوچک‌تر، بعضی وقت‌ها آنها داستان‌های مربوط به عیسی را طبق اصول مختلفی نظم می‌بخشند. برای نمونه، دیدیم که متی و مرقس بعضی وقت‌ها مطالبشان را طبق مضامین معینی در کنار هم چیدند. در مقابل، لوقا انجیلش را طبق موقعیت جغرافیایی نظم داد.

برای رسیدن به هدف ما در این درس، ما انجیل لوقا را به شش بخش تقسیم خواهیم کرد: یک مقدمه کوتاه در باب ۱ آیات ۱ تا ۴ که پنج بخش عمده دیگر به صورت گروه داستانی در پی آن می‌آیند:

- بخش اصلی اول از انجیل لوقا آغاز مأموریت عیسی را به تصویر می‌کشد و بر حوزه یهودیه و رود اردن تمرکز می‌کند. این بخش شامل آیات ۱:۵ تا ۴:۱۳ می‌شود.
- بخش اصلی دوم از انجیل لوقا، خدمت عیسی در جلیل است. این بخش شامل آیات ۴:۱۴ تا ۹:۵۰ می‌شود.
- بخش اصلی سوم از انجیل لوقا، سفر عیسی به اورشلیم را در آیات ۹:۵۱ تا ۱۹:۲۷ گزارش می‌کند.
- بخش اصلی چهارم از انجیل لوقا، روایت خدمت عیسی در اورشلیم و حوالی آن را از آیات ۱۹:۲۸ تا ۲۱:۳۸ شامل می‌شود.
- در نهایت، بخش پنجم و پایانی اصلی انجیل لوقا، روایت به صلیب کشیدن عیسی و قیام او بیرون از اورشلیم است که در آیات ۲۲:۱-۲۴:۵۳ دیده می‌شود.

از آنجاییکه به بخش مقدمه انجیل لوقا پرداختیم، تمرکز خود را بر روی پنج بخش اصلی روایت او قرار داده و با بخش آغاز مأموریت عیسی در آیات ۱:۵ تا ۴:۱۳ کار را شروع می‌کنیم.

آغاز مأموریت عیسی

روایت لوقا از آغاز مأموریت عیسی، کمی قبل از تولد عیسی شروع می‌شود و شامل همه زندگی او تا قبل از خدمت عمومی اوست.

دغدغه اصلی لوقا در این باب‌ها این بود که نشان دهد: عیسی هم پسر خدا بود و هم پسر داوود و او را هم کاملاً الهی و هم کاملاً انسانی کند. به علاوه، عیسی به عنوان پسر داوود ماشیح یا مسیح یا همان کسی بود که قرار بود نجات را برای جهان با آوردن پادشاهی خدا بر زمین فراهم کند.

در این روایت، لوقا به طور منظم به وعده‌های خدا در عهد عتیق اشاره می‌کند تا نشان دهد که خدا در حال تحقق این وعده‌ها از طریق عیسی است. به همین ترتیب، تنها راه وفاداری به خدا و به میراث بردن برکات پادشاهی او از طریق پذیرش عیسی به عنوان پادشاه و نجات‌دهنده است.

این باب‌ها را می‌توان به چهار بخش اصلی تقسیم کرد: اعلام تولد یحیای تعمیددهنده و عیسی؛ تولد و کودکی آنها؛ شناختن عیسی توسط یحیی؛ و دو دلیل بر اثبات اینکه عیسی پسر خداست. بیایید با اعلام تولد در لوقا ۱: ۵-۵۶ این قسمت را شروع کنیم.

اعلام تولد

اینکه لوقا انجیلش را با ظهور جبرئیل فرشته شروع می‌کند مهم است. صدها سال قبل از این واقعه، در باب ۹ کتاب دانیال اشاره شده بود که جبرئیل اعلام کرده بود که تبعید اسرائیل صدها سال طول خواهد کشید. در طول این مدت که اسرائیل زیر داوری خدا قرار می‌گرفت، در اسارت خواهد بود. اما در انجیل لوقا، جبرئیل اعلام کرد که این دوره اسارت در حال پایان است.

در لوقا ۱: ۵-۲۵، جبرئیل تولد یحیای تعمیددهنده را پیشگویی کرد. جبرئیل در یهودیه زکریای کاهن را ملاقات کرد و به او گفت که زن نازای او به طور معجزه‌آسایی پسری خواهد داشت که اسم او را یحیی خواهند گذاشت. او از روح‌القدس از زمان تولد پر خواهد بود و به روحیه نبی بزرگ، ایلیا خواهد بود تا راه را برای نجات خدا آماده کند. در ابتدا، زکریا به پیام جبرئیل شک کرد به همین دلیل تا به دنیا آمدن پسرش لال شد.

لوقا اعلام تولد یحیی را با اعلام خبر بزرگتر جبرئیل درباره تولد عیسی در لوقا ۱: ۲۶-۳۸ همراه کرد. جبرئیل به مریم گفت که خدا به طور معجزه‌آسایی در رحم او پسری خواهد آفرید که پسر خود خدا خواهد بود. پسر خدا عیسی خوانده خواهد شد که به معنی نجات‌دهنده است. علاوه بر این، او تخت پادشاهی نیای خود داوود را به ارث خواهد برد به این معنی که او همان ماشیح یا پسر ارشد داوود است که نجات پادشاهی ابدی خدا را روی زمین خواهد آورد.

از آنجایی که مریم و الیزابت دختر عمو بودند، مریم به دیدار دخترعمویش الیزابت در یهودیه می‌رود تا به او بگوید که به پسر خدا حامله است. این ملاقات در لوقا ۱: ۳۹-۵۶ آمده است. وقتی مریم به الیزابت سلام می‌کند، یحیی از شوق در شکم مادرش تکان می‌خورد و الیزابت فوراً از روح‌القدس پر شده و دلیل عکس‌العمل پسرش را متوجه می‌شود. الیزابت مریم را برکت داده و پسر مریم را خداوند خودش می‌خواند. و در جواب، مریم سرودی پرستشی برای او می‌خواند، که به آن سرود «نیایش مریم» می‌گویند، که در لوقا ۱: ۴۶-۵۵ آمده و شادی عظیم او را برای نجاتی که از طریق فرزندش می‌آمد ابراز کرد.

بعد از اعلام تولدها، لوقا تولدها و کودکی یحیی و عیسی را در لوقا ۱: ۵۷-۲: ۵۲ می‌آورد.

تولد و کودکی

روایت لوقا از تولد و کودکی یحیی را می‌توان در لوقا ۱: ۵۷-۸۰ یافت. یحیی از والدینی پیر به دنیا آمد و وقتی در روز هشتم برای ختنه و تقدیم، او را به کنیسه آوردند، صدای پدرش دوباره برگشت. در همان لحظه، زکریا به روح‌القدس پر شد و نبوت کرد که پسرش راه را برای ماشیح، پسر ارشد داوود آماده خواهد کرد. به گفته زکریا در توصیف نقش ماشیح در لوقا ۱: ۶۹-۷۶ گوش کنید:

او برای ما شاخ نجاتی در خاندان خادمش، داوود، بر پای داشته است، چنانکه از دیرباز به زبان پیامبران مقدس خود وعده فرموده بود که ما را از دست دشمنان و همه کسانی که از ما نفرت دارند، نجات بخشد، تا بر پدرانمان رحمت بنماید و عهد مقدس خویش به یاد آورد؛ همان سوگندی را که برای پدرمان ابراهیم یاد کرد که ما را از دست دشمنان رهایی بخشد و یاریمان دهد که او را بی هیچ واهمه عبادت کنیم، در حضورش، با قدوسیت و پارسایی، همه ایام عمر و تو، ای فرزندم، پیامبر خدای متعال خوانده خواهی شد؛ زیرا پیشاپیش خداوند حرکت خواهی کرد تا راه را برای او آماده سازی (لوقا ۱: ۶۹-۷۶، ترجمه هزاره نو).

در عهد عتیق، خدا عهد نجات را با ابراهیم و داوود بسته بود. و زکریا نبوت کرد که خدا قرار است این وعده‌ها را محقق کند و پسرش یحیی، پیامبری خواهد بود که راه را آماده خواهد کرد.

بعد در لوقا ۲: ۱-۵۲، لوقا تولد و اوایل کودکی عیسی را گزارش می‌کند. چندین نکته موازی بین این روایت او و روایت قبلی او از تولد یحیی وجود دارد ولی آنچه لوقا درباره تولد و کودکی عیسی ثبت کرده بسیار طولانی‌تر و کامل‌تر است. این روایت با تولد عیسی در شهر داوود، شهر یهودیه بیت‌الحم که در لوقا ۲: ۱-۲۰ آمده ثبت شده است.

تولد عیسی بسیار محقرانه بود. او در اسطبل به دنیا آمد و روی جایی که به احشام آب می‌دادند خوابانده شد. اما اعلام تولد او توسط فرشتگان به چوپانانی که در همان حوالی بودند بسیار شاهانه بود. به گفته فرشته به چوپانان در لوقا ۲: ۱۰-۱۱ گوش کنید:

مترسید، زیرا بشارتی برای‌تان دارم، خبری بس شادی‌بخش که برای تمامی قوم است: امروز در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای برای شما به دنیا آمد. او خداوند مسیح است (لوقا ۲: ۱۰-۱۱، ترجمه هزاره نو).

فرشته خبر خوش یا همان «انجیل» را که پادشاه نجات‌دهنده قوم خدا را از داوری نجات خواهد داد اعلام می‌کرد.

این پیام فرشته بعد با گروه عظیمی از فرشتگان آسمانی همراه شد که خدا را به خاطر تولد عیسی ستایش می‌کردند. لوقا به طور واضح مشخص می‌کند که علی‌رغم تولد محقرانه عیسی، پسر مریم واقعا ماشیح و پادشاه برگزیده خدا بود.

بعد لوقا ختنه و تقدیم عیسی در معبدی در اورشلیم را در لوقا ۲: ۲۱-۴۰ توصیف می‌کند. در معبد، روح‌القدس شمعون و همچنین نبی مقدس «آنا» را پر و در برگرفته تا اعلام کنند که عیسی ماشیحی است که نجات را به جهان خواهد آورد. به ستایش شمعون از خدا در لوقا ۲: ۳۰-۳۲ گوش کنید:

زیرا چشمان من نجات تو را دیده است، نجاتی که در برابر دیدگان همه ملت‌ها فراهم کرده‌ای، نوری برای آشکار کردن حقیقت بر دیگر قوم‌ها و جلالی برای قوم تو اسرائیل (لوقا ۲: ۳۰-۳۲، ترجمه هزاره نو).

این تحقق اشعیا ۴۹: ۶ بود که خدا این کلمات را به زبان آورده بود:

پس می‌گوید: این چیز قلیلی است که بنده من بشوی تا اسباط یعقوب را برپا کنی و ناجیان اسرائیل را بازآوری. بلکه تو را نور امت‌ها خواهم گردانید و تا اقصای زمین نجات من خواهی بود (اشعیا ۴۹: ۶).

خدا از طریق شمعون آشکار کرد که عیسی همان ماشیحی است که نجات و جلال را به اسرائیل خواهد آورد. و بیش از این، انجیل پادشاهی خدا را به امت‌ها خواهد برد تا آنها را نیز نجات بدهد. در پایان، لوقا با داستان کوتاهی از عیسی در معبد در لوقا ۲: ۴۱-۵۲ به مضمون فرزند عیسی اشاره دوباره‌ای دارد. وقتی عیسی دوازده سال داشت، به همراه والدینش برای عید فصح به اورشلیم می‌رود اما در راه برگشت به خانه، از آنها جدا می‌شود. والدین عیسی چند روز بعد او را در حیاط کنیسه پیدا می‌کنند که با معلمین صحبت می‌کند. همه کسانی که در کنیسه بودند از دانش و درک عیسی متعجب و حیرت‌زده شده بودند. وقتی مریم با عیسی روبرو شد، جواب عیسی ویژگی او را آشکار کرد. به جواب عیسی به مریم در لوقا ۲: ۴۹ گوش کنید:

مگر نمی‌دانستید که می‌باید در خانه پدرم باشم؟ (لوقا ۲: ۴۹، ترجمه هزاره نو)

کنیسه خانه پدر عیسی بود چون عیسی پسر خدا بود. بعد از تولد و کودکی یحیی و عیسی، لوقا ماجرای شناختن عیسی توسط یحیی در لوقا ۳: ۱-۲۰ را گزارش می‌کند.

شناختن عیسی توسط یحیی

در این روایت، یحیی به صورت رسمی با شناختن عیسی یا همان ماشیح، راه را برای نجات خدا آماده می‌کند. او در موعظه خود در حوزه دریاچه اردن، آمدن پادشاهی خدا را اعلام و مردم را تشویق کرد تا از گناهان‌شان توبه کنند و تعمید بگیرند. اما وقتی عیسی برای تعمید پیش او آمد، یحیی ماشیح را شناخت و آشکارا اعلام کرد که حتی استحقاق این را ندارد که کفش‌های مسیح را جفت کند. یحیی گفت که عیسی همانگونه که در متون عهد عتیق مثل اشعیا ۴۴: ۳ و حزقیال ۳۹: ۲۹ نبوت شده به روح‌القدس تعمید خواهد داد. و این بدان معنی بود که آخرین مرحله تاریخ فرارسیده بود، زمانی که نجات خدا کاملاً آشکار خواهد شد.

اشاره به این مطلب جالب است که در عهدعتیق در خروج باب ۱۹، وقتی اسرائیل قرار بود از خدا چیزی بشنود یا اینکه خدا می‌خواست روی کوه سینا فرود بیاید، به آنها گفته شده بود که باید لباس‌های خود را (بشورند) و خودشان را تمیز (کنن). پس با این حساب، تمیز کردن واقعا چیزی بوده که مردم قبل از آمدن خدا یا ظهور او انجام می‌دادند. و اگر به گفته یحیی تعمیددهنده توجه کنید، می‌بینید که او در اصل می‌گوید که خدا برای داوری خواهد آمد و مردم باید برای توبه و بعد از آن، البته تعمید، خودشون را آماده کنند.

- دکتر دیوید ردلینگز

در اناجیل، یحیی مردم را تعمید می‌دهد. و بعد می‌بینم که عیسی برای تعمید گرفتن پیش یحیی می‌آید. چرا باید این کار انجام می‌گرفت؟ منظورم اینه که یحیی می‌گفت که توبه کنید و برای پادشاهی خودتان را آماده کنید. آیا عیسی هم باید توبه می‌کرد؟ واضحه که این کار برای او لازم نبود. او پسر بی‌گناه خداست. پس چرا باید توسط یحیی تعمید می‌گرفت؟ خُب، نکته مهم اینه که بدونیم تعمید یحیی برای آماده کردن پادشاهی بوده. وقتی او از مردم می‌خواد توبه کنند و ایمان بیارن، مثل تعمید مسیحیان نیست که او آمدن پادشاهی را اعلام می‌کنه؛ منظور اینه که پادشاه داره میاد و باید برای اون آماده می‌شدند. عیسی وقتی از یحیی تعمید گرفت، در واقع خدمت خودش را آغاز کرد. تعمید در اناجیل با خدمت مسیح شروع میشه. عیسی با این کار با ما همذات‌پنداری می‌کنه، و به قول متی، راستی را به کمال می‌رسونه. این کار به این دلیل نیست که می‌خواد توبه کنه و چون گناهکاره این کار رو انجام میده. دلیل اینه که می‌خواد با قومش یکی بشه و خدمت عمومی خودش را شروع کنه. او به عنوان نماینده ما در زندگی عمل می‌کنه که بعد در مرگ، قیام و صعودش به اوج می‌رسه. پس به همین دلیل که او میاد و از یحیی تعمید می‌گیره تا به نوعی خدمتش را شروع کنه و کاری که قراره انجامش بده رو آغاز می‌کنه و آنچه که یحیی در آروزی تحققش بود حالا در او تحقق گرفته و او کسی است که حالا پادشاهی را آورده تا به دیگران ببخشه.

- دکتر استفن ولوم

حالا که بحث شناختن عیسی توسط یحیی را بررسی کردیم، بیاید به بخش چهارم و پایانی این روایت یعنی تأیید عیسی به عنوان پسر خدا در لوقا ۳: ۲۱-۴: ۱۳ بپردازیم.

تایید پسر خدا

لوقا سه تاییدیه مجزا برای عیسی به عنوان پسر خدا ارائه می‌دهد. اولین تاییدیه در لوقا ۳: ۲۱-۲۲ تایید الاهی اوست. به توصیفی که از تعمید عیسی در لوقا ۳: ۲۲ آمده گوش کنید.

روح‌القدس به شکل جسمانی، همچون کبوتری بر او فرود آمد، و ندایی از آسمان در رسید که تو پسر محبوب من هستی، و من از تو خشنودم (لوقا ۳: ۲۲، ترجمه هزاره نو)

در تعمید عیسی، خدا با ظهور قابل رویت روح‌القدس و صدای خود از آسمان به صورت عمومی تایید کرد که عیسی پسر اوست.

بعد لوقا با آوردن تاییدیه نسب‌نامه، در لوقا ۳: ۲۳-۳۸ تایید می‌کند که عیسی پسر خداست. لوقا، مثل متی، نسب‌نامه عیسی را از طریق ارتباط او به داوود و ابراهیم پیگیری می‌کند. اما برخلاف متی، لوقا این نسب‌نامه را تا پدر کل بشریت یعنی آدم بسط می‌دهد. برای درک اهمیت این نسب‌نامه، به بخش پایانی آن در لوقا ۳: ۳۸ گوش کنید:

پسر انوش، پس شیث، پسر آدم، پسر خدا (لوقا ۳: ۳۸، ترجمه هزاره نو)

لوقا آدم را «پسر خدا» می‌خواند - همان عنوانی که در باب‌ها به عیسی داده شده بود. با این روش، لوقا به چیزی اشاره می‌کند که سایر بخش‌های عهدجدید آشکارا تعلیم می‌دهند. عیسی به عنوان پسر خدا باید هدف اولین پسر خدا یعنی آدم را به تحقق برساند. یا همانطور که پولس رسول در اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵ گفت، عیسی «آدم آخر» است. آدم پادشاه-غلام خدا روی زمین بود که قرار بود اراده خدا را بر زمین به انجام برساند. اما به طرز وحشتناکی شکست خورد. اما عیسی پسر ارشد خداست که در نقطه شکست آدم امور را بر دست گرفت تا نجات را به همه مردم زمین برساند.

آخرین تاییدیه عیسی پسر خدا تاییدیه شخصی خود عیسی در لوقا ۴: ۱-۱۳ است.

این داستان وسوسه عیسی در بیابان است. مطابق قول لوقا ۴: ۱، روح القدس عیسی را پر کرده و او را به بیابان می برد تا شیطان او را آزمایش کند. شیطان عیسی را وسوسه می کند تا سنگ را به نان تبدیل کند تا پادشاهی بر قومها را از شیطان بگیرد و خود را از بالای کنیسه به پایین بیندازد. شیطان هر دوی این وسوسهها را با نیشخندی با این کلمات که «اگر تو پسر خدا هستی» آغاز می کند. عیسی در پاسخ، هر سه وسوسه شیطان را رد می کند و حتی بخشی از عهدعتیق را نقل می کند که به توصیفی از وفاداری پسر خدا در آن اشاره شده است.

عیسی وقتی در بیابان با شیطان رودررو میشه به چند دلیل از کتاب مقدس نقل قول می کنه. اول از همه، بخشی از کار نویسندگان اناجیل این است که عیسی را به عنوان پسر حقیقی خدا نشون بدن و به تصویر بکشن. و به همین خاطر، یک دلیل اینه که او را می بینیم که از کلام نقل قول می کنه به خاطر رابطه عهد او با خداست. او به سراغ کلام میره و از بخش هایی که رابطه عهدی را بیان می کنند نقل می کنه تا همه چیز را به نظم دربیاره و نگاه درست را از اقتدار خودش در رابطه با خدای پدر و همچنین قدرت محدود شیطان نشان بده. و به همین دلیله که می گه انسان فقط به نان زندگی نمی کنه بلکه از هر کلمه ای که از دهان خدا صادر می شه تا به خودش اولویت این رابطه عهدی را یادآوری کنه و به خودش کمک کنه در برابر وسوسه های شیطان بایسته. اما می بینیم که او از بخش خاصی از کلام، از تثنیه باب ۶ تا ۸ به طور خاص نقل قول می کنه چون در اونجا می بینیم که موسی در بیابان از تجربه قوم خدا صحبت می کنه و از اینکه چطور تجربه بیابان در خروج، قوم مورد آزمایش قرار می گیرند و اینکه در قلب اونها چه می گذشت. اتفاق بسیار مشابهی هم در اینجا می بینیم یعنی آزمایش فرزندی عیسی در مقابله با وسوسه. در اونجا قوم اسرائیل شکست خورد در حالیکه عیسی در امتحان قبول شد. پس می بینیم نوعی مقایسه در استفاده از عهدعتیق توسط نویسندگان اناجیل و خود عیسی در روایت وسوسهها هم وجود داره.

- دکتر گرگ پری

از آنجاییکه روایت وسوسه با نسب نامه عیسی ادامه پیدا کرده و با آدم به عنوان پسر خدا به پایان می رسد، روایت لوقا از وسوسه را باید به موازات روایت وسوسه آدم در باب سه کتاب پیدایش دید. در آن داستان، شیطان آدم را در باغ عدن وسوسه کرد و وقتی آدم گناه کرد، خدا خلقت را نفرین کرد و همه بشریت را به بیابان فرستاد. در مقایسه، عیسی در برابر وسوسه در بیابان مقاومت کرد و ثابت کرد که او فرزند وفادار خداست که قوم وفادار خدا را دوباره به بهشت خواهد آورد.

بعد از آغاز مأموریت عیسی در یهودیه و نواحی اردن، بخش اصلی دیگر در انجیل لوقا، خدمت عیسی در جلیل را گزارش می کند. این بخش از ۱۴: ۴-۹: ۵۰ روایت شده است.

خدمت عیسی در جلیل

لوقا در این بخش از انجیل خود نمونه‌های زیادی از قدرت معجزه‌آسا و موعظه انجیل عیسی را نقل می‌کند تا ثابت کند عیسی منجی مسح شده به روح القدس است که در عهدعتیق وعده داده شده بود. روایت لوقا از خدمت عیسی در جلیل را می‌توان به پنج قسمت تقسیم کرد: اول، موعظه عیسی در ناصره؛ دوم، تعلیم و معجزات، سوم، تفاوت بین رسالت عیسی و یحیای تعمیددهنده، چهارم، تعلیم و معجزات بیشتر از عیسی؛ و پنجم، عیسی شاگردان خود را برای خدمت آماده می‌کند. ما به هر یک از بخش‌ها نگاهی خواهیم انداخت. در این قسمت به بخش اول یعنی موعظه عیسی در ناصره در باب ۴ انجیل لوقا آیات ۱۴ تا ۳۰ می‌پردازیم.

موعظه در ناصره

اناجیل سه‌گانه هم‌نوا بر قدرت معجزه‌آسا و اعلام انجیل عیسی در دوران خدمت در جلیل تاکید می‌کنند. اما توصیف لوقا از سایر اناجیل متفاوت است چون او این بخش از خدمت عیسی را با اولین موعظه عیسی در زادگاهش ناصره معرفی می‌کند. لوقا گزارش داد که عیسی در روز سبت در کنیسه بود و طومار کتاب اشعیا به او داده شد. بعد عیسی اشعیا ۶۱: ۱-۲ را خواند و بعد ادعای حیرت‌انگیزی کرد. به قرائت عیسی و گفته او در لوقا ۴: ۱۸-۲۱ گوش کنید:

روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاده تا رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام کنم، و ستم‌دیدگان را رهایی بخشم، و سال لطف خداوند را اعلام نمایم. سپس طومار را فرو پیچید و به خادم کنیسه سپرد و بنشست. همه در کنیسه به او چشم دوخته بودند. آنگاه چنین سخن آغاز کرد: امروز این نوشته، هنگامی که بدان گوش فرامی‌دادید، جامه عمل پوشید (لوقا ۴: ۱۸-۲۱، ترجمه هزاره نو).

وقتی عیسی گفت که «این نوشته وقتی به آن گوش می‌دادید، جامه عمل پوشید» منظور عیسی این بود که گفته مکتوب در عهدعتیق به حقیقت پیوسته. این دقیقاً همان سال یوبیل بود که در سال ۴۹ ام یا ۵۰ ام، بسته به اینکه چطور حساب کنید، قوم اسرائیل باید افرادی رو که زیر دین و قرض بودند می‌بخشید و سرزمین‌های اجدادی‌شون و سهم قومی و زمین آبا و اجدادی‌شون رو که در زمان موسی و یوشع دوباره به آنها داده شده بود را به اونها برگردوند. اگر خروج را به عنوان یک واقعه مهم و بزرگ رستگاری در نظر بگیریم، یوبیل را هم باید به عنوان مشیت خدا برای رستگاری بپذیریم چون تا زمانیکه در این دنیای سقوط کرده زندگی می‌کنیم، رستگاری ما را نجات خواهد داد ولی این بازآوری و احیای دوباره از نقشه رستگاری خدا بود. به همین دلیل بود که عیسی این را به عنوان نشانه‌هایی از

یوبیل به مردم نشان داد. یعنی مردم را از اسارت دیوها آزاد کرد و آنها را از بدنامی اجتماعی، طبقات اجتماعی رهایی داد و اونها را به خدای خالق اونها و پدرشان بازگردوند.

- کشیش مایکل گلودو

اشعیا نبوت کرده بود که آمدن پادشاهی خدا منجر به نجات قوم وفادار خدا خواهد شد. عیسی اعلام کرد که این روز فرا رسیده است. این نقل قول ساختار اصلی تفسیر لوقا از کل خدمت عیسی را نشان می‌دهد: عیسای ماشیح یا مسیح، نجات‌دهنده‌ای بود که در عهد عتیق درباره او نبوت شده بود که پادشاهی خدا در زمین را با آوردن نجات به قومش اعلام کرد.

بعد از موعظه عیسی در ناصره، لوقا چندین نمونه از تعالیم قدرتمند و معجزات عیسی را در لوقا ۴: ۳۱-۷:

۱۷ نقل می‌کند.

تعلیم و معجزات

در این بخش، لوقا نشان می‌دهد که عیسی واقعا ماشیح بود چون او نبوت اشعیا ۶۱: ۱-۲ را محقق می‌کرد. عیسی در لوقا ۴: ۳۱-۳۶ روح پلید را آزاد کرد. در باب ۴ آیات ۳۸ تا ۴۲ افراد بسیاری را شفا داد و در باب ۵ آیات ۱ تا ۱۱ پطرس، یعقوب و یوحنا را به شاگردی خواند.

الگوی مشابهی را در آیات بعدی مشاهده می‌کنیم، مثل شفای جذامی در ۵: ۱۲-۱۵، و شفای افلیج در ۵: ۱۷-۲۶ که بعد از به شاگردی فراخواندن لاوی یا متی در ۵: ۲۷-۳۲ دیده می‌شود.

همین الگوی مشابه در آیات بعدی نیز تکرار می‌شود. اما به جای شفاها، لوقا تعالیم عیسی را ثبت کرده است. در ۵: ۳۳-۳۹، عیسی تعلیم داد که حضور فیزیکی او به روزه پایان خواهد داد و باعث شادی خواهد شد. در ۶: ۱-۱۱، عیسی تعلیم داد که روز سبت برای شفا و نجات جان‌هاست و در ۶: ۱۲-۱۶، او دوازده شاگرد خود را انتخاب کرد تا رسولان خاص او باشند که وظیفه داشتند نظم جدید اسرائیل را بنیانگذاری کنند.

عیسی از طریق تعالیم و معجزات نشان داد که در واقع همان ماشیحی است که اشعیا درباره او نبوت کرده چون او رحمت خدا را در شکل آزادی، شفا و آزادی از اسارت‌ها با خود به همراه آورده است.

بعد از این قسمت، لوقا موعظه نسبتا طولانی را از عیسی در باب ۶ آیات ۱۷ تا ۴۹ به ثبت رسانده است. از این موعظه به موعظه در دشت یاد می‌کنند و با موعظه سرکوه در متی باب‌های ۵ تا ۷ شباهت‌های بسیاری دارد.

یکی از تمایزات جالب بین متی و لوقا اینه که موعظه سرکوه در متی باب ۵ تا ۷ آورده شده و موعظه دیگری که به اون «موعظه دشت» می‌گیم در باب ۶ لوقا آمده. همین باعث بحث و جدل بسیاری شده. آیا این دو یکی هستن یا

دو چیز مجزا هستن؟ فکر می‌کنم در اینجا به دو مورد باید اشاره کنم. اول اینکه ما با قسمت بسیار کوتاهی از گفتهٔ مسیح در آن شرایط خاص روبرو هستیم. منظورم اینه که اگر متی باب ۵ تا ۷ را بخونیم، مثلا چقدر طول میکشه، شاید ۴۰ دقیقه اگه با صدای بلند بخونیم. مسیح ساعت‌ها و ساعت‌ها داره حرف می‌زنه و نمی‌شه تعالیمش را اینقدر خلاصه کرد. پس، ما با قطعاتی از گفته‌های او روبرو هستیم. با این حساب، آیا منظور ما همان قطعات کوچک هستن؟ خب، فکر می‌کنم احتمالا بله. چیز دیگری که میشه گفت اینه که اگر جغرافیای اون منطقه را بلد باشید، خیلی جالبه - تپه‌هایی پشت کفرناحوم وجود دارن طوری که شما نمی‌تونین به اون تپه‌ها نگاه کنین و بگین «خب، عیسی نشست و مردم روی یه تپه بودند.» اما اگر از جنبه دیگه‌ای به اون نگاه کنین، در واقع صخرهٔ آتشفشانی یا شیب کمی را می‌بینن که از ارتفاع تقریبا ۹۰۰ تا هزار متری به سمت پایین رو به سطح دریا قرار گرفته. و اگه از مسافت دور به اون نگاه کنین، در اصل هزار تا از اون چیزهایی که ما به آن دشت می‌گیم را می‌بینید. سراسیمی‌هایی که روی یک تپه قرار گرفتن. من هم از دور می‌شینم و چای و کیک خودم را می‌خورم و می‌گم: موعظهٔ سرکوه یعنی عیسی روی کوه نشسته و بعد می‌گم موعظه در دشت. در اصل من دارم به چیزی اشاره می‌کنم که یک سطح مسطح بوده. یک نکتهٔ آخر هم در این رابطه هست که خیلی جالبه... لوقا می‌خواد به ما نشان بده که عیسی قابل دسترسی است برای همین می‌گه که مسیح در دشت موعظه می‌کنه و همراه ماست. متی می‌خواسته اقتدار مسیح را نشون بده مثلا مسیح را روی کوه و موسی رو روی کوه سینا. به این ترتیب می‌تونیم به هر دو جواب برسیم.

- دکتر پیتر واکر

عیسی در موعظهٔ دشت بر تغییر بزرگی که اشعیا آن را نبوت کرده بود تاکید کرد. اینکه فقیران برکت خواهند یافت، گرسنگان سیر خواهند شد، ماتم‌زدگان شادمان خواهند شد و خدا ناتوانان را برکت خواهد داد. اما خبر خوشی نیز در این میان بود که یک گام فراتر از این می‌رفت. عیسی از این برکت‌یافتگان خواست تا او را پیروی کنند و مطابق اصول و ارزش‌های ملکوت خدا زندگی کنند که اغلب با معیارهای زمینی همخوانی نداشتند. برای مثال، عیسی از آنها خواست تا غریبه‌ها و حتی دشمنان خودشان را دوست داشته باشند که این با ارزش‌های دنیوی که از ما می‌خواهند از غریبه‌ها دوری کنیم و از دشمنان مان نفرت داشته باشیم متفاوت بود. پس پیام ملکوت فقط یک برکت نبود بلکه یک وظیفهٔ اخلاقی نیز با خود به همراه داشت.

بعد از موعظهٔ دشت، لوقا این قسمت را با یکی از دیگر شواهدی که نشان‌دهندهٔ تحقق نبوت اشعیا در مورد عیسی بود به پایان برد. عیسی غلام افسر رومی را در لوقا ۷: ۱-۷ شفا داد و در ۱۱-۱۶ حتی پسر مرده بیوه‌زن را زنده کرد.

داستان دیگر لوقا از خدمت عیسی در جلیل مجموعه داستان‌هایی است که حول محور یحیای تعمیددهنده می‌چرخد که در لوقا ۷: ۱۸-۵۰ آمده است.

یحیای تعمیددهنده

بعد از زندانی شدن یحیای تعمیددهنده، او عده‌ای از شاگردان خود را به پیش عیسی فرستاد تا از او بپرسند که آیا عیسی همان ماشیح است؟ عیسی در جواب کارهای خود را به آنها یادآور شد. معجزات و تعالیم عیسی به وضوح نبوت‌های اشعیا ۶۱: ۱-۲ را تحقق بخشید و به همین ترتیب ثابت کرد که عیسی واقعا ماشیح است. به گفته عیسی به فرستندگان یحیی در لوقا ۷: ۲۲ گوش کنید:

بروید و آنچه دیده و شنیده‌اید به یحیی بازگویید، که کوران بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌گردند، کران شنوا می‌شوند، مردگان زنده می‌گردند و به فقیران بشارت داده می‌شود (لوقا ۷: ۲۲، ترجمه هزاره نو)

عیسی در ادامه از یحیی به عنوان بزرگترین پیامبران یاد می‌کند. اما حتی یحیی هم نمی‌توانست به حد کمترین شخص در ملکوت خدا برسد. لوقا روی این نکته در ۷: ۴۷-۵۰ با این توضیح که عیسی در عمل، گناه زن گناهکار را با شستن پاهای او بخشید تاکید کرد. یحیی مردم توبه‌کار را برای جلب رضایت بخشش خدا تعمیم داده بود اما عیسی پادشاهی خدا را با بخشیدن گناهکاران، شفای بیماران و موعظه انجیل به فقیران به تجربه‌ای حاضر برای مردم تبدیل کرده بود.

بعد از داستان‌های مربوط به یحیای تعمیددهنده، لوقا در ۸: ۱-۵۶ تعالیم و معجزات بیشتری از عیسی را به ثبت رسانده است.

تعالیم و معجزات

مسیح در این تعالیم و معجزات افزوده شده در این بخش بر خبر خوش پادشاهی خدا تاکید می‌کند. مثل برزگر در لوقا ۸: ۱-۵ و مثل چراغدان در لوقا ۸: ۱۶-۱۸ اهمیت پاسخ همراه با ایمان و اطاعت به پیام پادشاهی را توصیف می‌کند و لوقا همین مضامین را در لوقا ۸: ۱۹-۲۱ با تاکید برای این نکته که کسانی که به کلام خدا گوش می‌کنند و از آن اطاعت می‌کنند خانواده واقعی او محسوب می‌شوند، همان مضامین را تکرار می‌کند.

بعد در لوقا ۸: ۲۲-۵۶ چندین معجزه را که تایید و نمایشی از نجات توسط عیسی بود را به ثبت رسانده است. مثلا عیسی طوفان را آرام کرد، روح شریبری را اخراج کرد، زن بیمار را شفا داد و دختری را زنده کرد. بالاخر، لوقا داستان خدمت عیسی در جلیل را با گزارش آماده کردن دوازده رسول برای خدمت در لوقا ۹: ۱-۵۰ گزارش داد.

آماده کردن دوازده رسول

عیسی اول در لوقا ۹: ۱-۹ دوازده رسول خود را برای شفا و موعظه انجیل می‌فرستد. این همان مردانی بودند که او در لوقا ۶ آنها را انتخاب کرده بود. بعد قدرت خود را با خوراک دادن به ۵۰۰۰ نفر در ۹: ۱۰-۱۷ نشان داد و به شاگردان خود یاد داد که به قدرت و همراهی او اعتماد کنند و همه این آمادگی‌ها در لوقا ۹: ۱۸-۲۷ زمانی که شاگردان اعتراف کردند که او عیسی همان ماشیح موعود یا مسیح است، به اوج خود رسید.

لوقا این بخش را با چند روایت دیگر از آماده کردن شاگردان برای خدمت به پایان می‌برد، علی‌الخصوص خدمتی که بعد از صعود مسیح به آسمان بر عهده آنها بود. عیسی در حضور پطرس، یعقوب و یوحنا در لوقا ۹: ۲۸-۳۶ تغییر هیئت داد و این اولین باری بود که پدر از آسمان تعهد خود را نسبت به عیسی تأیید کرد. بعد عیسی در ۹: ۳۷-۴۵ اخراج روح بسیار دشواری را انجام داد و درباره بزرگی در ملکوت در ۹: ۴۶-۵۰ تعلیم داد. عیسی در همه این داستان‌ها شاگردان خود را آماده کرد تا اقتدار او را بشناسند و بر قدرت او تکیه کرده و در نام او خادمین فروتنی باشند تا به رهبران موثری برای ملکوت او در زمین تبدیل شوند.

بعد از خدمت عیسی در جلیل، بخش اصلی بعدی در انجیل لوقا، سفر عیسی به اورشلیم را توصیف می‌کند. این قسمت در از لوقا ۹: ۵۱ تا ۱۹: ۲۷ ادامه پیدا می‌کند.

سفر عیسی به اورشلیم

لوقا به تصمیم عیسی برای سفر به اورشلیم پنج بار در لوقا ۹: ۵۱، ۱۳: ۲۲، ۱۷: ۱۱، ۱۸: ۳۱ و ۱۹: ۲۸ اشاره می‌کند. برای نمونه به یکی از این اشارات گوش کنید:

اینک به اورشلیم می‌رویم. در آنجا هرآنچه انبیا درباره پسر انسان نوشته‌اند، به انجام خواهد رسید. زیرا او را به غیریهودیان خواهند سپرد. آنها او را استهزا و توهین خواهند کرد و آب دهان بر او انداخته، تازیانه‌اش خواهند زد و خواهند کشت. (لوقا ۱۸: ۳۱-۳۲، ترجمه هزاره نو)

از طریق متونی مثل این، لوقا مشخص کرد که عیسی خود را به انجام اراده خدا متعهد کرده بود تا مردم را نجات دهد، با اینکه می‌دانست این به قیمت جان او در اورشلیم خواهد انجامید.

ما موضوع سفر عیسی به اورشلیم را به چهار بخش اصلی تقسیم خواهیم کرد: اول، تعلیم عیسی درباره ماهیت شاگردی؛ دوم، گزارشات لوقا درباره تضاد بین عیسی و مخالفان او؛ سوم، تعلیم عیسی درباره بهای شاگردی؛ و چهارم، تعهد عیسی به نقشه خدا برای نجات قومش. بگذارید کار را با تعلیم عیسی درباره ماهیت شاگردی در لوقا ۹: ۵۱-۱۱: ۱۳ شروع کنیم.

ماهیت شاگردی

تعهد عیسی به برقراری ملکوت خدا و نجات قومش، او را بر آن داشت که رسولان خاص خودش را برای رهبری خادمانه انتخاب و تربیت کند. در لوقا ۹: ۵۱-۱۰: ۲۴، عیسی بشارت دادن را به آنها یاد داد و به آنها هشدار داد که زندگی آنها دشوار خواهد بود. ولی به روح القدس هم آنها را قوت داد. بعد از این مرحله آمادگی، آنها را به شهرهایی که معین کرده بود فرستاد تا انجیل را موعظه کنند.

بعد از این کار، در لوقا ۱۰: ۲۵-۱۱: ۱۳، عیسی با تعلیم سه موضوع مرتبط به شاگردسازی، جهان بینی بزرگتری به آنها بخشید. این موضوعات شامل، محبت به همسایه، محبت به خدا، و دعا بودند. عیسی در لوقا ۱۰: ۲۷ تعلیم خود را درباره محبت به این صورت خلاصه می کند:

خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت و با تمامی فکر خود محبت نما و همسایهات را همچون خویشان محبت کن (لوقا ۱۰: ۲۷، ترجمه هزاره نو)

در اینجا، عیسی تشبیه ۵: ۵ و لاویان ۱۹: ۱۸ را نقل کرد تا تعلیم بدهد که همه شریعت عهد عتیق به ما تعلیم می دهد که چگونه خدا و همسایه خودمان را محبت کنیم.

دو قسمت بعدی، دو بخش از این قانون محبت را به تصویر می کشند. مثل «سامری نیکو» در لوقا ۱۰: ۲۹-۳۷ محبت به همسایه را به تصویر می کشد. این مثل داستان مشهوری درباره سامری است که محبت همسایه وار خود را به اسرائیلی زخمی از خود نشان می دهد؛ در حالیکه بین این دو دسته از مردم یعنی سامری ها و اسرائیلی ها کشمکش وجود داشت. بعد در لوقا ۱۰: ۳۸-۴۲، ملاقات با مریم، نمونه ای از محبت به خدا را نشان می دهد. مریم با نشستن در پای عیسی و گوش دادن به تعالیم او نشان داد که ما باید با اولویت قرار دادن خدا در زندگی خود و گوش کردن و از اطاعت او، محبت خود را به خدا نشان دهیم.

دست آخر اینکه، تعلیم عیسی درباره دعا در لوقا ۱۱: ۱-۳ راهنمایی او به رسولان را با تعلیم اینکه قلبا و با پشتکار برای عطایا و برکات ملکوت خدا دعا کنند به پایان می رسد.

دعا برای مسیحیان بسیار مهمه. دعا بخشی از زندگی عیسی بود و ما می توانیم اهمیت اون رو در زندگی عیسی ببینیم. می بینیم که هر قدر بار کاری او بیشتر میشه، بیشتر دعا می کنه و وقت استراحت از خدا قوت می خواد. او می دونست که برای تازگی روحانی خودش باید مرتبا با پدر صحبت می کرد. او قبل از انتخاب دوازده رسول خودش تمام شب دعا کرد؛ با اینکه میدونست یکی از اونها به او خیانت خواهد کرد. در واقع، وقتی داشت شاگردانش رو انتخاب می کرد نگاهی رو به صلیب داشت. و همین دلیلی بود که عیسی همه شب را قبل از این خدمت مهم صرف

دعا کرد. نمونهٔ دعا در زندگی عیسی الگویی برای ماست. بعد که شاگردانش با خوشحالی به خاطر کارهای معجزه‌آسایی که انجام داده بودند پیش او برگشتند، عیسی پدر را شکر کرد و گفت: «پدر، خداوند آسمان و زمین، تو را شکر می‌کنم چون این چیزها را از عاقلان و دانیان مخفی نگه داشتی و به کودکان آشکار کردی.» عیسی پدر را شکر کرد پس ما نیز باید او را شکر کنیم. حتی اگر لازم بود عیسی دعا و شکرگزاری کند، ما باید بیشتر این کار را انجام بدهیم. عیسی قبل از دستگیری، با تمام وجود در باغ جستیمانی دعا کرد و در پایان گفت: «پدر من، اگر ممکن است این پیاله را از من بردار. اما نه به ارادهٔ من بلکه به ارادهٔ تو.» پس می‌بینیم که عیسی در سرسپردگی کامل نسبت به پدر بود. عیسی به خاطر رابطهٔ خودش با پدر دعا کرد و خواست تا نقشهٔ نجات برای بشریت را کامل کند. نمونهٔ او به ما تعلیم می‌دهد که برای ما، فرزندان خدا، دعا و سرسپردگی ما به ارادهٔ خدای پدر در زندگی، موضوعی حیاتی است.

- دکتر پیتر چاو

خُب، به نظرم دلیل اصلی و مهم برای اینکه مسیحیان دعا کنند این است که چون هر وقت ما دعا می‌کنیم، نشان از باور ما به مسیح است؛ اینکه به انجیل باور داریم. تنها دلیلی که ما می‌تونیم دعا کنیم این است که چون عیسی برای گناهان ما مرد؛ عیسی به ما این امکان رو داد که به تخت خدا نزدیک بشیم. ما می‌تونیم با اطمینان در دعا با دلیری به تخت فیض نزدیک بشیم چون عیسی راه را برای اینکار فراهم کرده. پس اولین دلیل برای ما این است که دعا نشانگر ایمان ما به انجیل است. دلیل دوم دعا این است که چون کاری است که اتکای ما به خدا را همیشه در همه چیز به او نشون می‌دهد. ما به حضور او یعنی خدای پدر میرسیم که دوست داره فرزندان خودش را برکت بده و از او نان روزانهٔ خودمون رو می‌طلبیم. ولی این کار به نوعی پرستش خدا نیز هست. ما برای او ارزش قائلیم، او رو می‌پرستیم و با او صحبت می‌کنیم. این واقعیت که همیشه در دعا باشید و کتاب مقدس از او حرف می‌زنه، این است که هر قدمی که در زندگی روزانه برمی‌داریم این حس حضور خدا، آگاهی به این نکته است که این خداست که حضور داره و وزنی در زندگی ما داره.

- دکتر اریک تونسن

جان و سلی دعا را بزرگترین وسیله برای نزدیک شدن به خدا و ابزار اصلی فیض می‌دانست. در اصل، به تاریخ مسیحیت که نگاه می‌کنید، خواندن کلام و دعا دو لازمهٔ اصلی زندگی روحانی هستند. فکر می‌کنم دلیل اصلی که دعا مهمه این است که دعا همون رابطه‌ای که مسیحیت می‌خواهد با خدا ایجاد کنه را برقرار می‌کنه. وقتی دعا می‌کنیم، با خدا حرف می‌زنیم، به حرف‌های خدا گوش می‌دهیم، و به شنیده‌های خودمون واکنش نشون می‌دهیم. و این اصل برقراری ارتباطه و در اصل همون چیزی است که خدا از ما می‌خواهد، یعنی با او رابطه برقرار کنیم. برگردید به همون

ابتدا، در کتاب پیدایش، خدا داشت در باغ عدن قدم می‌زد و دنبال مشارکت با آدم و حوا بود. دعا راه ما برای همراهی و صحبت با خداست. منظورم اینه که هسته اصلی مسیحیت در دعاست چون مسیحیت در پی این رابطه است.
- دکتر استیو هارپر

بعد از تعالیم عیسی درباره ماهیت شاگردی، لوقا به اختلاف فزاینده بین عیسی و رهبران یهود در لوقا ۱۱:
۱۴-۱۵: ۳۲ تاکید می‌کند.

تشدید اختلاف

عیسی در این بخش از سفر خود، حداقل سه بار به عمد رهبران یهودی را سرزنش کرد. اول اینکه می‌خواست از رهبری ضعیف آنها بر قوم خدا انتقاد کند. دوم اینکه می‌خواست مردم را به پادشاهی خودش دعوت کند و سوم اینکه از آنها می‌خواست تا او را در اورشلیم مصلوب کنند تا بتواند کفاره نجات بخش خودش را برای گناهان قومش بپردازد و به پادشاهی خود بر آنها دست بیابد.

برای مثال، در لوقا ۱۱: ۱۴-۲۸، یهودیان ادعا می‌کنند که عیسی «پادشاه دیوها»ست و عیسی در آیات ۲۹-۵۳ در پاسخ، شرارت آنها را محکوم و به چیزهای مختلفی سرزنش می‌کند.

در لوقا ۱۲: ۱-۳، عیسی به مردم هشدار می‌دهد تا مثل فریسیان ریاکار نباشند. در آیات ۴-۲۱، کارهای کنیسه‌ها، رهبران و مقامات یهودی را مورد حمله قرار می‌دهد. در آیات ۲۲-۳۲، تاکید می‌کند که خدا همه نیازهای کسانی را که در پی ملکوت خدا هستند برآورده می‌کند تا لازم نباشد مثل رهبران یهود به دنبال ثروت دنیوی باشند و در آیات ۳۳-۵۹، عیسی هشدار داد که پیروان به طور قطع با کسانی که پادشاهی خدا را نمی‌پذیرند دچار اختلاف خواهند شد.

در لوقا ۱۳: ۱-۹، عیسی به مخالفت با رهبران یهود ادامه داد و از همه اسرائیل خواست تا از گناهان‌شان توبه کنند. بعد در آیات ۱۰-۱۷، این اختلاف با شفای زن مفلوج در روز سبت شدت گرفت که رهبر یهودی کنیسه را به شدت عصبانی کرد و در آیات ۱۸-۳۰، عیسی تعلیم داد که بسیاری از کسانی که فکر می‌کنند به ملکوت خدا راه پیدا خواهند کرد، به آن وارد نخواهند شد که به وضوح رهبران یهودی حاکم و پیروان آنها مدنظر عیسی بودند. در پایان، در آیات ۳۱-۳۵، لوقا گزارش داد که تنش بین عیسی و پادشاه یهودی هرود که قصد کشتن او را داشت بالا گرفت.

در لوقا ۱۴، عیسی حتی بیشتر از قبل رهبران یهودی را تحریک می‌کند. در آیات ۱-۲۴، روز سبت مردی را شفا داد و بعد ارزش‌های دنیوی رهبران یهود را مورد انتقاد قرار داد. حتی تحلويا اشاره کرد که حتی یکی از آنها

هم وارث ملکوت خدا نخواهند شد. بعد در آیات ۲۵-۳۴، به پیروان خود هشدار داد که ممکن است به خاطر اختلاف با کسانی که با آنها دشمنی می‌کنند همه چیز خود را در این زندگی از دست بدهند.

عیسی بعد از مقدمه‌ای در باب ۱۵ آیات ۱ و ۲، با مثل‌های خود در باب چیزهای گمشده، دوباره به تشدید اختلاف با رهبران یهودی دامن زد: مثل گوسفند گمشده، سکه گمشده، و پسر گمشده. عیسی در هر کدام از این داستان‌ها، از پیروان خود دعوت کرد تا ریاکاری فریسیان و معلمین شریعت را رد کنند و وقتی خدا فرزندانش را از میان گناهکاران گمشده جهان پیدا کرد شادی کنند.

لوقا بعد از گزارش تعلیم عیسی درباره ذات شاگردسازی و تشدید اختلاف با رهبران یهود، بر داستان سفر عیسی به اورشلیم درباره بهای شاگردی در لوقا ۱۶: ۱-۱۸: ۳۰ تاکید کرد.

بهای شاگردی

عیسی از پیروان خود می‌خواست بدانند که زندگی آنها در پادشاهی او شبیه زندگی خود عیسی خواهد بود. آنها هم توسط رهبران دنیوی مورد آزار قرار خواهند گرفت و برای وفادار ماندن به خدا در جنگ و تلاش خواهند بود. با شروع آیات ۱۶: ۱ تا ۱۷: ۱۰، عیسی تعلیم داد که شاگردی مستلزم این است که دارایی‌های خود را مثل دارایی خدا بدانند که خدا همه چیز را به ما به عنوان پیشکاران خود محول کرده تا تماماً برای اهداف او از آنها استفاده کنیم. او همچنین هشدار داد که برکات زمینی ممکن است مانعی باشند که حتی ثروتمندان را از درک و دریافت انجیل حقیقی بازدارند. در نهایت، او ایمان و توبه را تشویق کرد و به ما اطمینان داد که هر قدر هم کار خوب انجام بدهیم، بهترین کارهای ما نیز هنوز خواسته خدا را برآورده نمی‌کنند.

عیسی در باب ۱۷ آیه ۱۱ تا ۱۸ آیه ۸ به داوری نهایی در این دنیا پرداخت. چیزهای خوبی که در این دنیا دریافت می‌کنیم مثل سلامتی، داشته‌ها و عدالت باید باعث شود که ما عدالت خدا را ببینیم و دعا کنیم که خدا در این زندگی ما را به این چیزها برکت دهد. با این حال، همه این چیزها در داوری نهایی محکوم به نابودی هستند. ثروت، سلامتی و عدالت واقعی فقط در پاداش پادشاهی ابدی خدا می‌آیند که باید همه امید ما به آن باشد.

عیسی همگام با این نظرات، این بخش در لوقا ۱۸: ۹-۳۰ را با تاکید بر فروتنی به پایان می‌برد چون تنها فروتنان آمرزش و برکت و حیات ابدی را دریافت می‌کنند و آن را به ارث خواهند برد.

لوقا داستان سفر عیسی به اورشلیم را با تاکید بر تعهد او به نقشه خدا برای نجات قومش در لوقا ۱۸: ۳۱-

۱۹: ۲۷ به پایان می‌برد.

تعهد عیسی

اولین روشی که عیسی با آن تعهد خود را به نقشه خدا نشان داد این بود که مرگ خودش را در لوقا ۱۸: ۳۱-۳۴ پیشگویی کرد. عیسی می دانست که باید برای نجات قومش بمیرد و مصمم بود که مطابق نقشه پدرش عمل کند.

عیسی بعد از این بخش، تعهدش را نسبت به نقشه خدا برای نجات با برکت دادن مردمی که به پیش او می آمدند نشان داد. مثل مرد نابینایی که در لوقا ۱۸: ۳۵-۴۳ او را شفا داد و زکی باجگیر که در لوقا ۱۹: ۱-۱۰ آمده است. اینها مردمانی بودند که معمولاً از اجتماع طرد شده بودند اما مطابق وعده‌های اشعیا ۶۱: ۱-۲، قرار بود که ارث بزرگ پادشاهی خدا را دریافت کنند. این را می توان در گفته عیسی به زکی در لوقا ۱۹: ۹-۱۰ دید:

امروز نجات به این خانه آمده است، چرا که این مرد نیز فرزند ابراهیم است. زیرا پسر انسان آمده تا گمشده را بجوید و نجات بخشد (لوقا ۱۹: ۹-۱۰، ترجمه هزاره نو)

دست آخر اینکه، در لوقا ۱۹: ۱۱-۲۷، عیسی مثل پیشکاران یا مباحران پادشاهی را تعریف کرد که مسئولیت پول خود را به در غیاب خود به آنها سپرده بود. این مثل نشان داد که اگر می خواهیم در پادشاهی خدا سهیم شویم، باید مثل عیسی نسبت به نقشه خدا متعهد باشیم.

لوقا بعد از توصیف سفر عیسی به اورشلیم، خدمت او را در اورشلیم گزارش کرد. این پنجمین بخش اصلی انجیل لوقاست که از باب ۱۹ آیه ۲۸ تا باب ۲۱ آیه ۳۸ ادامه پیدا می کند.

خدمت عیسی در اورشلیم و حوالی آن

گزارش لوقا از خدمت عیسی در اورشلیم در لوقا ۱۹: ۲۸-۴۴ با ورود عیسی به اورشلیم و خوشامدگویی مردم با تمجید و هیاهو شروع می شود.

اولین کار عیسی بعد از ورود به شهر، این بود که معبد را از وجود تاجران پاک کرد. این واقعه در لوقا ۱۹: ۴۵-۴۶ آمده است. این کار کارهای گناه‌آلودی که زندگی و پرستش یهودی را به فساد کشیده بود محکوم کرد و به همین جهت این کار توهین بزرگی به رهبران یهودی بود.

برای درک کار عیسی در معبد به پیشینه تاریخی مربوط به عهد عتیق نیاز داریم. درست مثل درک خیلی تعلیم‌های دیگر در عهد جدید. کتاب اول پادشاهان باب ۸، تقدیم هیکل را به ثبت رسونده. سال‌ها این هیکل در دست ساخت

بوده. وقتی کار ساخت به اتمام می‌رسد، سلیمان پادشاه از خدا در دعا می‌خواد و می‌گه: «نیایش‌های مرا بشنو، نیایش‌های قوم خود را، هنگامی که به سوی این مکان روی می‌کنند، بشنو؛ از جایگاه خود در آسمان‌ها ما را بشنو و ما را ببخش.» به علاوه، سلیمان پادشاه دعا کرد که وقتی غریبه‌ای که نام بزرگ خدا را شنیده دعا کنه و از جای دوری بیاد تا در هیکل دعا کنه، خدا به دعای او گوش خواهد داد تا همه مردم زمین اسم خدا را بشناسند و از او بترسند و بدانند که این هیکل برای نام خدا ساخته شده. پس در زمان عیسی، وقتی مقامات دینی هیکل را به لانه دزدان تبدیل کردند، به نام خدا توهین کردن، چون هیکل با نام خدا عجین شده بود. علاوه بر این، تمیز کردن یا زدودن هیکل از جانب عیسی معانی سمبولیکی هم داشت. هیکل به خود عیسی اشاره می‌کرد چون او هیکل حقیقی و نهایی است. عیسی به حقیقت پیوستن هیکلی بود که همه قوم‌ها برای دعا پیش او می‌آمدند چون ما در نام عیسی به پدر دعا می‌کنیم. پس اگر ما در عهد عتیق به معنای هیکل پی ببریم به اهمیت کار عیسی یا همان زدودن هیکل و رابطه آن با آمدن پادشاهی خدا پی می‌بریم.

- دکتر پیتر چاو

چیزی که اینجا به نظر میاد عیسی را ناراحت کرده به خاطر محوطه هیکل یا حیات اجتماع امتهاست که می‌تونستن وارد بشن و به حضور خالق جهان بیان؛ امته‌ها هم می‌تونستن. ولی نمی‌تونستن به بخش داخلی هیکل که فقط یهودیان می‌تونستن داخل بشن برن. اما حیاط بیرونی برای امته‌ها بود یا همان غیریهودیان. اونها می‌تونستن بیان اونجا و دعا کنن. با این وضعیت دیگه جایی برای دعا برای اونها نبود. جایی برای امته‌ها در اون فضا برای این هدف وجود نداشت. پس می‌بینیم که عیسی هیکل را احیا می‌کنه و کارکرد اون فضا را با تمیز کردن بر می‌گردونه به مکانی برای امته‌ها تا بتونن به اونجا بیان و دعا کنن.

- دکتر گرگ پری

همانطور که در لوقا ۱۹: ۴۷-۲۱: ۳۸ می‌خوانیم، عیسی چند روز بعد را در محوطه کنیسه به تعلیم گذراند و از پادشاهی خدا سخن می‌گفت. در طی این مدت، اختلاف او با رهبران یهودی شدت پیدا کرد و او همچنان به خاطر کارهای‌شان آنها را محکوم می‌کرد و آنها هم اقتدار عیسی را به چالش می‌کشیدند. به کاری که معلمین شریعت و کاهن اعظم در لوقا ۲۰: ۲۰ انجام دادند گوش کنید:

جاسوسانی نزد او فرستادند که خود را صدیق جلوه می‌دادند. آنها در پی این بودند که از سخنان عیسی دستاویزی برای تسلیم او به قدرت و اقتدار والی بیابند. (لوقا ۲۰: ۲۰، ترجمه هزاره نو)

اما عیسی فقط به خاطر اینکه افراد شریر در پی به دام انداختن او بودند دست از تعلیم حقیقت برداشت. بلکه، آشکارا آنها را توبیخ کرد. او در لوقا ۲۰: ۴۶-۴۷ خطاب به انبوه مردم گفت:

از علمای دین برحذر باشید که دوست دارند در قبای بلند راه بروند و مردم در کوچه و بازار آنها را سلام گویند، و در کنیسه‌ها بهترین جای را داشته باشند و در ضیافتها بر صدر مجلس بنشینند. از سویی خانه‌های بیوه‌زنان را غارت می‌کنند و از دیگر سو، برای تظاهر، دعای خود را طول می‌دهند. مکافات اینان بسی سخت‌تر خواهد بود (لوقا ۲۰: ۴۶-۴۷، ترجمه هزاره نو)

وقتی عیسی به اورشلیم نزدیک‌تر می‌شد، خودداری اسرائیل از پذیرفتن او به عنوان ماشیح نجات‌دهنده باعث شد که عیسی نبوت خود را درباره نابودی شهر اعلام کند. اما این فاجعه فقط شمه‌ای از داوری بزرگتر بود. در روز آخر، وقتی عیسی در جلال باز گردد، همه در برابر او حساب پس خواهند داد و به همین دلیل، عیسی از شاگردان خود در هر دوره‌ای می‌خواهد تا با تمام وجود او را پیروی کنند و منتظر بازگشت او باشند. بعد از گزارش خدمت عیسی در اورشلیم، آخرین بخش اصلی از انجیل لوقا یعنی روایت مصلوب شدن و قیام عیسی در خارج از اورشلیم را در لوقا ۲۲: ۱-۲۴: ۵۳ بررسی می‌کنیم.

مصلوب شدن و قیام عیسی

در این بخش از انجیل، لوقا توضیح می‌دهد که چگونه عیسی نجات را در عمل برای قومش محقق کرد. او نقشه پدر آسمانی را با تقدیم خود به عنوان قربانی کفاره به انجام رساند و تخت پدرش داوود را به عنوان پادشاه دریافت کرد تا بعد از این به عنوان پادشاه بر قومش فرمانروایی کند. گزارش لوقا از مصلوب شدن و قیام عیسی را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: بازداشت، محاکمه و مرگ عیسی در بخش اول و قیام و صعود او در بخش دوم. بیابید به بخش اول از بازداشت، محاکمه و مرگ عیسی در لوقا ۲۲: ۱-۲۳: ۵۶ نگاهی بیندازیم.

بازداشت، محاکمه و مرگ

روایت بازداشت، محاکمه و مرگ عیسی در لوقا ۲۲: ۱-۶ با داستان خیانت به عیسی شروع می‌شود. بعد، در طی شام آخر، که در آیات ۷-۳۸ ثبت شده، عیسی خیانت یهودا و همچنین انکار پطرس درباره پیروی از او را

نبوت می‌کند. اما در میان این پیشگویی‌های تلخ، عیسی به شاگردانش از جایگاه شاگردان در پادشاهی‌اش و تسلط او بر همهٔ وقایع اطمینان می‌دهد.

بعد از شام آخر، دعای عیسی در کوه زیتون در لوقا ۲۲: ۳۹-۴۶ آمده است. عیسی در طی دعا بسیار مضطرب بود و این را می‌شود در عرق خون‌آلود او و تلاش و خواستهٔ او از پدر برای از سرگذراندن صلیب دید. اما در این میان، عیسی هرگز از اعتماد محکم خود به پدر آسمانی و یا در تعهد خود به نقشهٔ پدر دست برنداشت. بازداشت عیسی در لوقا ۲۲: ۴۷-۵۳، با وقایع مربوط به انکار پطرس در آیات ۵۴-۶۲ به پیش رفت که به ترتیب وقایع مربوط به محاکمهٔ عیسی در حضور رهبران یهودی، پیلاتس و هرود در ۲۲: ۶۲-۲۳: ۵۲ ادامه یافت. هیرودیس و پیلاتس هر دو عیسی را بی‌گناه از ارتکاب هر گونه جرمی علیه امپراطوری روم می‌دانستند که مستحق حکم مرگ باشد. اما پیلاتس به فشار رهبران یهودی و جمعیت حاضر تسلیم شد و عیسای بی‌گناه را به صلیب محکوم کرد.

مردم وقتی اناجیل رو می‌خوانند بعضی وقت‌ها از عکس‌العمل جمعیت حاضر در محاکمه و مرگ عیسی متعجب می‌شوند؛ عیسی در برابر مردم و پیلاتس و مردم دارن فریاد می‌زنند که عیسی را بکشین و باراباس را آزاد کنید. یک جواب، عمق گناه انسانی است که باید در ذهنمون داشته باشیم، اینکه مردم گناهکار هستن و ما تمایل به بی‌عدالتی داریم. اینکه خودمون را به جو و احساس جمعیت می‌بازیم و کار غلط را انجام می‌دیم چون در اون لحظه و مکان کاری که خیالمون را راحت می‌کنه یا کاری که همه می‌پسندن را انجام می‌دیم. یعنی جوگیر می‌شیم و اشتباه می‌کنیم. من فکر می‌کنم این جنبه در محاکمهٔ عیسی وجود داشته. چیز دیگه‌ای که فکر می‌کنم باید در نظر داشت اینه که جمعیت حاضر جزو افرادی بودند که واقعا با فریسی‌ها هم‌عقیده بودند و واقعا علیه عیسی ایستاده بودن. کاهنان اعظم که از عیسی می‌ترسیدن، از رومی‌ها می‌ترسیدند که قدرتشون رو ازشون بگیرن. اگر کاری در مورد عیسی نمی‌کردند ممکن بود از لحاظ سیاسی با رومی‌ها اختلاف پیدا کنن. پس از یه طرف با بزدلی این کارها را کردن. کارهایی که فریسی‌های ترسو انجام دادند منحرف کننده بود. اما چون از لحاظ الاهیاتی هم منحرف بودند دست به مخالفت با او زدند و دوست داشتند به نوعی از دست عیسی راحت بشن. جمعیتی که در آنجا جمع شده بودند همهٔ مردم نبودند بلکه گروه منتخب از کسانی بودند که احتمالا با عیسی سر سازش نداشتن. مهمه که به خاطر داشته باشیم که همهٔ مسیحیان اولیه در روزهای ابتدایی کلیسا در واقع یهودی بودند، رسولان هم یهودی بودند، خود عیسی هم یهودی بود و اینکه خیلی از یهودیان بودند که کاملا می‌خواستند از دست عیسی خلاص بشن. کسانی هم که مرگ او را کنار صلیب فریاد می‌زدند احتمالا بخش کوچکی از کسانی بودند که عیسی در طول خدمتش با آنها تماس پیدا کرده بود.

- دکتر فرانک تیلمان

نکته جالب اینجاست که روایت لوقا از بازداشت و محاکمه عیسی بر مرگ عیسی تاکید نمی‌کند بلکه بر هویت او به عنوان مسیح یا ماشیح. به مکالمه بین عیسی و رهبران یهودی در لوقا ۲۲: ۶۷-۷۰ گوش کنید:

اگر تو مسیحی، به ما بگو. پاسخ داد: اگر بگویم، سخنم را باور نخواهید کرد و اگر از شما بپرسم، پاسخ نخواهید داد. اما از این پس، پسر انسان به دست راست قدرت خدا خواهد نشست. همگی گفتند: پس آیا تو پسر خدایی؟ در پاسخ گفت: شما خود گفتید که هستم (لوقا ۲۲: ۶۷-۷۰، ترجمه هزاره نو).

در این متن عیسی خود را به عنوان مسیح، پسر انسان، و پسر خدا قلمداد می‌کند. همه این اصطلاحات به این واقعیت اشاره می‌کنند که او همان ماشیح بوده که در عهدعتیق پیشگویی شده بود. بعد از محاکمه، مصلوب شدن مسیح در لوقا ۲۳: ۲۶-۴۹ روایت می‌شود. در آیات ۴۳ و ۴۶، لوقا دو بار کلماتی را که عیسی روی صلیب به زبان آورده بود و سایر نویسندگان اناجیل حرفی از آن نرده بودند را تکرار می‌کند. این دو کلمه بر دو نکته‌ای که لوقا بارها در انجیلش بدانها تاکید کرده بود اشاره داشتند: اول اینکه عیسی لبریز از محبت به بینوایان بود و دوم اینکه عیسی به پدرش که همه این وقایع را زیر نظر داشت اطمینان داشت. در لوقا ۲۳: ۴۳، عیسی به دزدی که در صلیب کنار او قرار داشت با شفقت صحبت کرد و در حالیکه او را آرام می‌کرد، به او گفت:

آمین، به تو می‌گویم، امروز با من در فردوس خواهی بود. (لوقا ۲۳: ۴۳، ترجمه هزاره نو)

و در آیه ۴۶، به سوی پدرش فریاد زد و گفت:

ای پدر، روح خود را به دستان تو می‌سپارم. (لوقا ۲۳: ۴۶، ترجمه هزاره نو)

لوقا روشن کرد که لحظات پایانی خداوند ما قبل از مرگش لبریز از محبت به دیگران و اطمینان به پدرش بود. بعد در لوقا ۲۳: ۵۰-۵۶، لوقا داستان تدفین عیسی در قبر سنگی و آماده نبودن جسد عیسی برای تدفین به خاطر شروع روز سبت را روایت کرده است.

درک این نکته دشوار نیست که خوانندگان جفادیده لوقا با رنج عیسی چطور همذات‌پنداری می‌کردند. هر جفایی که به سر آنها می‌آمد، عیسی بدتر از آن را تجربه کرده بود. و مهم‌تر از همه اینکه این رنج به خاطر آنها بود. اگر خداوند آنها حاضر شده بود که به خاطر آنها رنج بکشد و حتی جانش را فدا کند، به طور قطع آنها نیز باید حاضر می‌شدند به خاطر او رنج ببینند و جان بدهند. ولی این فقط یک بدهی خشک و خالی نبود. همانطور که عیسی به خاطر اطاعت و رنج خود پاداش دید، پیروان مطیع او نیز برای رنج‌شان پاداش خواهند دید.

در پایان، لوقا بعد از توصیف وقایع مربوط به بازداشت و محاکمه و مرگ عیسی، انجیل خود را با داستان قیام و صعود عیسی در لوقا ۲۴: ۱-۵۳ به پایان می‌برد.

قیام و صعود

در باب ۲۴ آیات ۱ تا ۱۲، لوقا داستان قبر خالی عیسی، فرشته پیام‌آور و ناباوری حاکی از شگفتی شاگردان مسیح را گزارش می‌کند. عیسی مطابق گفته‌اش از مردگان قیام کرده بود. او به خاطر خودش و همه کسانی که به او ایمان داشتند بر مرگ غلبه کرده بود.

لوقا ۲۴: ۱۳-۳۵ ادامه داستان را در همان روز پی می‌گیرد و پیوستن عیسی به دونفر از شاگردان را در راه عمواس تعریف می‌کند. عیسی به آنها تعلیم داد که عهدعتیق را با نگاهی به خدمت و قیام او بخوانند. هر چیزی که در کتاب مقدس به ثبت رسیده بود، به عیسی و ماموریت نجات‌بخش او اشاره داشت.

بعد در لوقا ۲۴: ۳۶-۴۹، عیسی به شاگردانش ظاهر شد و آنها را تشویق کرد تا به این وقایع شهادت بدهند و به آنها گفت تا ماموریت او را با موعظه خبر خوش توبه و آمرزش گناهان به همه ملت‌ها برسانند. بعد لوقا صحنه را برای جلد دوم کتاب خود یعنی کتاب اعمال رسولان آماده می‌کند و از وعده فرستادن روح‌القدس برای قدرت بخشیدن به شاگردان برای انجام این ماموریت خبر می‌دهد.

لوقا انجیل خود را با صعود جسمانی عیسی به آسمان در ۲۴: ۵۰-۵۳ به پایان می‌رساند. شاگردان در واکنش به این معجزه، دست به پرستش، شادی و ستایش خدا زدند. خبر خوش شادی عظیمی که فرشته در لوقا ۲: ۱۰ اعلام کرده بود، بالاخره به قوم خدا رسید. عیسی خداوند قیام کرده و پیروز، نجات‌دهنده آنها بود.

لوقا در تایید ایمانداران غیریهودی یا امت‌ها نوشت که پیروی از عیسی گزینه درستی برای آنها بوده است. لوقا با استفاده از ساختار و محتوای انجیلش، نشان داد که هر جنبه‌ای از زندگی عیسی بخشی از نقشه خدا برای برقراری پادشاهی او بوده است. او پسر خدا و پسر داوود بود که برای تحقق پیشگویی اشعیای نبی درباره نجات به این جهان آمده بود. عیسی قدرت تسلیم‌ناپذیر فیض و لطفی بود که همه اقوام را زیر سلطه خود گرفت. او واقعا پادشاهی خدا را بنیان گذاشته بود. او واقعا نجات را برای هر خانواده‌ای از نوع بشر به ارمغان می‌آورد و هر کسی را که به او ایمان بیاورد نجات خواهد داد.

با نگاهی به پیشینه و ساختار و محتوای انجیل لوقا، حال آماده‌ایم تا آخرین موضوع اصلی خود را مورد بررسی قرار دهیم. در این بخش از درس، به مضامین اصلی که لوقا بدانها تاکید می‌کند خواهیم پرداخت.

مضامین اصلی

به طور کلی، می‌توانیم بگوییم که هر سه انجیل هم‌نوا یعنی انجیل متی، مرقس و لوقا، مضمون اصلی یکسانی را مطرح می‌کنند یعنی عیسی همان مسیح است که پادشاهی خدا را به ارمغان می‌آورد. اما هر کدام از این سه انجیل با این موضوع اصلی به روش‌های مختلفی برخورد می‌کنند. پس چون در انجیل لوقا این موضوع را بررسی می‌کنیم، پس به توصیف لوقا از پادشاهی خدا به عنوان نجات تاکید خواهیم کرد.

لوقا از کلمات هم‌خانواده «نجات» دست کم در ۲۵ مورد و بیشتر از هر سایر انجیل‌نویسان استفاده می‌کند. او بر وضعیت اسفناک ما بدون مسیح و نیاز ما به نجات تاکید کرد و تعلیم داد که پادشاهی خدا نجات عظیم ماست. اصطلاح «نجات» عمیقاً در امید به ماشیح در عهدعتیق ریشه دارد. نجات را می‌توانیم به آزادی از قید شر و داوری خدا بر گناه تعریف کنیم. خدا در سرتاسر عهدعتیق و به طور خاص در کتب انبیا به قوم خود تعلیم می‌دهد که بالاخره ماشیح یا نجات‌دهنده‌ای نجات از تاثیرات گناه و حتی حضور آن را با خود به همراه خواهد آورد. همگام با تاکید لوقا بر نجات، موضوع بحث خود را دربارهٔ مضامین اصلی انجیل لوقا را به سه بخش مرتبط به جنبه‌های مختلف کار نجات‌بخش مسیح تقسیم می‌کنیم. اول، توصیف لوقا از نجات شخصی را مدنظر خواهیم گرفت. دوم، تصویری از خدا به عنوان نجات‌دهنده را مدنظر خواهیم گرفت و سوم، به انواع انسان‌های نجات‌یافته، نگاهی خواهیم انداخت. بیایید کار را با توصیف لوقا از نجات شروع کنیم.

توصیف نجات

لوقا در کل انجیل خود نشان داد که نجات شخصی اصولاً مسئله تغییر احوالات انسان‌هاست. «نجات» شخصیت و موقعیت آنها را در برابر خدا تغییر می‌دهد و سرنوشت آنها را متحول می‌کند و از لعنت به برکت تغییر می‌دهد.

همهٔ ما گناهکار به این دنیا آمدیم. به همین دلیل، از طرف خدا محکوم شدیم و به سمت نابودی ابدی پیش می‌رویم. اما انجیل آموزش گناهان را به ما ارزانی می‌کند تا خدا دلیلی برای محکومیت ما نداشته باشد. همچنانکه لوقا در اکثر موارد به آن اشاره می‌کند، نجات باعث آشتی بین ما و خدا می‌شود و ما در وضعیت جدید خود، برکات ابدی پادشاهی خدا را دریافت می‌کنیم که با بازگشت دوبارهٔ مسیح و به کمال رساندن زمین، آنها را به

ارث می‌بریم. در آن زمین جدید، بیماری و مرگ و ناتوانی و دردی وجود نخواهد داشت. مهم نیست که زندگی امروز چگونه است چون ما در دنیای بعد از این غنی و بهره‌مند خواهیم بود.

خوانندگان انجیل لوقا اغلب اشاره می‌کنند که عیسی توجه خاصی به گروه‌های فاقد قدرت در جامعه نشان می‌دهد مثل زنان، غیریهودیان، کودکان که منظور در بافت اجتماعی زندگی و خدمت عیسی قرار دارند. من فکر می‌کنم، یک دلیل عمیق الاهیاتی در این کار نهفته است و ناشی از این واقعیه که لوقا فرمانروایی آخرالزمانی خدا در امتیاز دادن به ناتوانان رو درک کرده و به تبع اون، به نوعی امتیاز ندادن به افراد صاحب نفوذ که در اصل به نوعی تغییر موقعیت این دو گروه به حساب می‌آید. با این حساب، در واقع، البته که این تغییر نقش، فقط منحصر به اناجیل یا عهد جدید یا تصور آخرالزمانی یا آخرت‌شناسانه نیست. یعنی، می‌تونید چیزی مثل این گفته است که: «پادشاهی خدا آمده و در میان ماست». منظور چنین واقعیه که می‌تونید هم‌اکنون رو در تمام مکاشفات کتاب مقدسی پیدا کنید. البته که در کتاب پیدایش، به کرات نوشته شده که مثلاً پسر دوم خانواده در مقایسه با نخست‌زاده بیشتر مورد توجه و انتخاب ویژه قرار می‌گرفتن. این مخالف همه انتظارات معمول بود. این فقط یک مثال از تغییر انتظارات بود که در عهد عتیق آمده و تا جایی که به لوقا ربط پیدا می‌کنه، فکر می‌کنم، به حد اعلی و اوج خودش از تغییری بزرگ و پر جلال در انتظارات مربوط به عهد جدید می‌شه. علی‌الخصوص، همانطور که گفتم در تغییر جایگاه قدرتمندان و ناتوانان دیده می‌شه.

- دکتر دیوید بائور

در باب ۷ انجیل لوقا به یاد دارید که یحیی‌ای تعمیردهنده کسی را نزد عیسی می‌فرستد تا از او بپرسد که آیا همان ماشیح است و عیسی با اشاره به اشعیا ۶۱: ۱-۲ همان متنی را که در کنیسه در آغاز خدمت خودش خوانده بود به او جواب می‌دهد. دوباره به جواب عیسی در لوقا ۷: ۲۲ گوش کنید:

بروید و آنچه دیده و شنیده‌اید به یحیی بازگویید، که کوران بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌گردند، کران شنوا می‌شوند، مردگان زنده می‌گردند و به فقیران بشارت داده می‌شود (لوقا ۷: ۲۲، ترجمه هزاره نو)

همه چیزهایی که در این جواب آمده شکلی از نجات است یعنی تغییر از وضعیت بد به وضعیت خوب. در زمین جدید، این اوضاع بد کاملاً برچیده خواهد شد و حتی حالا، نجات پیش‌چشی از برکات ابدی آن را به ما ارزانی می‌کند. اما تغییرات بزرگ نجات محدود به احوالات بیرونی ما نمی‌شوند. این تغییرات در درون ما نیز رخ می‌دهند. به گفته عیسی در لوقا ۶: ۲۷-۳۶ گوش کنید:

به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و به آنان که از شما نفرت دارند، نیکی کنید. برای هر که نفرین‌تان کند برکت بطلبید، و هر کس را که آزارتان دهد دعای خیر کنید... اما شما، دشمنان‌تان را محبت کنید و به آنها نیکی نمایید، بدون امید عوض، به ایشان قرض دهید، زیرا پادشاه‌تان عظیم است، و فرزندان خدای متعال خواهید بود، چه او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است. پس رحیم باشید، چنان که پدر شما رحیم است (لوقا ۶: ۲۷-۳۶، ترجمه هزاره نو)

برکات پادشاهی فقط اوضاع بیرونی را تغییر نمی‌دهند بلکه شخصیت و نوع نگاه نجات‌یافتگان را نیز تبدیل می‌کنند. این تغییرات درونی، مثل تغییرات بیرونی، فقط تا اندازه‌ای در این دنیای کنونی نمود پیدا می‌کنند و به صورت کامل در جهان دیگر آشکار خواهند شد. همین حالا، به خاطر اینکه روح‌القدس در ما ساکن شده متفاوت فکر و عمل می‌کنیم و دنیا را به چشم دیگری می‌بینیم. این تغییرات در آسمان که کاملاً از این وجود، فساد و پیامدهای گناه آزاد است ادامه پیدا خواهد کرد و با آمدن مسیح و بخشیدن بدن‌های نو در زمین نو به کمال خواهد رسید.

این برکات نجات توضیح می‌دهند که چرا بارها و بارها در انجیل لوقا خوشی و خوشحالی پاسخ مناسبی به نجات است. یکی از نمونه عکس‌العمل‌ها را در سرودهایی می‌بینیم که لوقا در انجیل خود آورده مثل سرود زکریا در لوقا ۱: ۶۸-۷۹، سرود مریم در لوقا ۱: ۴۶-۵۵، و سرود شمعون در لوقا ۲: ۲۹-۳۲. خوشی در نجات در خبررسانی فرشتگان نیز آمده مثل پیغامی که به لوقا ۱: ۱۴ به زکریا داده شد و خبر خوشی شادمانی که در لوقا ۲: ۱۰-۱۱ به چوپانان داده شد. خوشی و شادمانی موضوع ثابت در مثل‌های عیسی در گوسفند گمشده، سکه گمشده و پسر گمشده در لوقا باب ۱۵ است. عیسی پاسخ به خوشی را به این صورت در لوقا ۶: ۲۱-۲۳ خلاصه می‌کند:

خوشابه‌حال شما که اکنون گریانید، زیرا خواهید خندید... در آن روز، شادی و پایکوبی کنید (لوقا ۶: ۲۱-۲۳، ترجمه هزاره نو)

خدا می‌خواهد که نجات باعث شادمانی ما شود. او می‌خواهد ما شادمان باشیم چون گناهان ما برداشته شده و چون رابطه ما با او حاکی از آشتی و صلح با اوست و اینکه برکات پادشاهی او را به ارث خواهیم برد. این موضوع آنقدر برای لوقا مهم بود که حتی انجیل خود را با این کلمات به پایان برد. به لوقا ۲۴: ۵۲-۵۳ گوش کنید که گزارشی است از کار شاگردان بعد از صعود مسیح به آسمان:

ایشان ... با شادی عظیم به اورشلیم بازگشتند. در آنجا پیوسته در معبد می‌ماندند و خدا را حمد و سپاس می‌گفتند (لوقا ۲۴: ۵۲-۵۳، ترجمه هزاره نو)

وقتی خدا را آنطور که هست می‌بینیم و نیکویی خدا را می‌بینیم و می‌چشیم، باید باعث خوشحالی ما بشه، باعث شادی ما بشه. اگه من به همسر گل بدم و بهش بگم: «بیا این گل‌ها را بگیر عزیزم چون مجبور بودم اینارو بهت بدم.» خُب، این حرکتی نیست که همسر از من انتظار داره. باید این کار را با شادی و خوشی انجام داد چون من همسر را تحسین می‌کنم. به همین ترتیب هم خوشی ما در خدا در شناخت واقعی خدا کاملاً جلوه می‌کنه و خوشی در خدا، شادی در خدا، حس رضایت در او، هسته اصلی زندگی مسیحی است.

- دکتر اریک توئیس

با این توصیف از نجات، بیایید به مضمون دوم پردازیم یعنی تاکید لوقا بر خدا در جایگاه نجات‌دهنده.

خدای نجات‌دهنده

ما خدا در جایگاه نجات‌دهنده را در سه مرحله بررسی خواهیم کرد. ما نجات را از قدرت خدا، طبق نقشه او و از طریق پسرش بررسی خواهیم کرد. بیایید در ابتدا به این واقعیت که نجات با قدرت خدا میسر می‌شود نگاهی بیندازیم.

قدرت خدا

انجیل لوقا به صورت منظم نیت عهد عتیق را بر اینکه خدا نجات‌دهنده قومش است منعکس می‌کند. برای مثال، این مضمون غالب در باب‌های آغازین لوقاست که لحن کل کتاب را تعیین می‌کند. مریم خوشحالی کرد چون خدا نجات‌دهنده او در لوقا ۱: ۴۷ بود. زکریا سرود نجات خدا را در لوقا ۱: ۶۸-۷۹ سرایید و گوش کنید به گفته شمعون در لوقا ۲: ۲۹-۳۰ که عیسی نوزاد را در دست داشت:

ای خداوند، حال بنا به وعده خود، خدمت را به سلامت مرخص فرما. زیرا چشمان من نجات تو را دیده است. (لوقا ۲: ۲۹-۳۰، ترجمه هزاره نو)

شمعون به خداوند نجات‌دهنده - در یونانی دِسپوتا - اشاره کرد که قدرت و اقتدار خدا بر آفرینش را به او نسبت داد. شمعون با استفاده از کلمه «نجات تو»، اشاره کرد که خدا از قدرتش برای آوردن نجات استفاده می‌کند.

همین مضمون در سراسر کتاب و مابقی آن ادامه می‌یابد. برای مثال، یحیای تعمیددهنده نجات خدا را در قالب قدرت احیا کل زمین در لوقا ۳: ۶ اعلام کرد و در لوقا ۱۸: ۲۶-۲۷، عیسی تعلیم داد که نجات با انسان غیرممکن است اما همه چیز با خدا ممکن می‌شود.

لوقا می‌خواست که خوانندگانش بدانند که خدا همه چیز را تحت نظر خود دارد. بنابراین، نجات نمی‌تواند از طریق قدرت، شعور، تصمیم و یا ثروت انسان به دست بیاید. نجات متعلق به خداست. نجات کار خداست و از طریق قدرت او محقق می‌شود. فقط خدا اقتدار آن را دارد که قومش را از داوری نجات دهد. فقط خدا قدرت دارد که قومش را از درون متحول کند. فقط خداست که شاید بخواهد پادشاهی‌اش را بر زمین بیاورد و فقط خداست که قدرت قومش را به برکات آن پادشاهی پاداش دهد.

لوقا در کنار تاکید بر نجات حاصل از قدرت خدا، تعلیم داد که نجات بخشی از نقشه خداست.

نقشه خدا

برای مثال، وقتی عیسی خدمت عمومی خودش را در لوقا باب ۱-۴ آغاز کرد، اشعیا ۶۱: ۱-۲ را خواند و جمعیت را با ادعای خود بر اینکه این نبوت در همان لحظه و مکان به واقعیت پیوسته متعجب کرد. لوقا در سراسر انجیلش با نشان دادن اینکه وقایعی که در زندگی عیسی اتفاق افتادند وعده‌های خدا در عهدعتیق را محقق کردند ثابت کرد که نجات، نقشه خداست. به گفته‌های عیسی در پایان دوره خدمت عمومی عیسی در لوقا ۲۴: ۴۴ گوش کنید:

این همان است که وقتی با شما بودم، می‌گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد (لوقا ۲۴: ۴۴، ترجمه هزاره نو)

کل عهدعتیق درباره نجاتی صحبت می‌کند که خدا از طریق عیسی محقق کرد. نقشه خدا همیشه بر این بوده که قومش را با این راه نجات دهد.

راه دیگری که لوقا نشان داد که نجات نقشه خدا را محقق کرده، این بود که لوقا ضرورت کارهای عیسی را برجسته کرد چون خدا آنها را خواسته و مقدر کرده بود تا اتفاق بیفتند. فقط به یک مثال در این مورد اکتفا می‌کنیم. گوش کنید عیسی چگونه رنج و مرگ خود را در لوقا ۹: ۲۲ توصیف می‌کند:

می‌باید که پسر انسان رنج بسیار کشد و مشایخ و سران کاهنان و علمای دین ردش کنند و کشته شود و در روز سوم برخیزد (لوقا ۹: ۲۲، ترجمه هزاره نو)

توجه کنید که عیسی وقتی اتفاقات را توضیح می‌داد، چطور از کلمه «می‌باید» استفاده می‌کند که ترجمه کلمه یونانی «دی» به معنای «ضروری است». حالا چرا این کار ضروری بود؟ چون خدا آن را می‌خواست. هر چیزی که در زندگی عیسی اتفاق افتاد بخشی از نقشه دیرینه خدا برای نجات قومش بود. سومین موردی که برای نشان دادن خدای نجات‌دهنده به آن می‌پردازیم این است که نجات از طریق پسر خدا عیسی مسیح حاصل می‌شود.

پسر خدا

انجیل لوقا مرتباً تأیید می‌کند که عیسی پسر خداست. بعضی اوقات نقش فرزندی عیسی همانطور که فرشته در هنگام اعلام تولد او در لوقا ۱: ۳۲-۳۵ به آن اشاره کرد نشان از خدای تجسدیافته قلمداد می‌شود. در موارد دیگر، تأکیدی بر اقتدار اوست. ما این را در تعمیم او در لوقا ۳: ۲۲ می‌بینیم که خدا با سخن گفتن از آسمان آن را تأیید کرد و همچنین در هنگام تغییر هیات او در لوقا ۹: ۳۵ که از مردم خواست تا به حرف پسرش گوش کنند. در موارد دیگر نیز به نقش او به عنوان پادشاه خدمتگزار مسیحایی خدا در شام آخر در لوقا ۲۲: ۲۹ به او اشاره شده است. اما همه این اشارات به عیسی به عنوان پسر خدا دست کم در یک مورد اشتراک دارند: همه این موارد نشان می‌دهند که عیسی همان کسی است که خدا نجات را توسط او به انجام می‌رساند. عیسی پسر خداست که به این دنیا فرستاده شد تا قومش را از محکومیت نجات دهد و به جای آنها جان بدهد و پادشاهی خدا را به زمین بیاورد. بعضی اوقات مسیحیان به اشتباه فکر می‌کنند که پدر خدایی عصبانی است که از ما نفرت دارد و عیسی پسر سرکشی است که آمده تا برای پشتیبانی در کنار ما بایستد. اما این از حقیقت به دور است. عیسی تنها آمد تا ما را نجات بدهد چون پدر او را فرستاده بود. بله، عیسی واقعا نجات‌دهنده ماست و واقعا ما را از دوری خدا آزاد می‌کند. اما بسیار مهم است که درک کنیم که نجاتی که او آورده از طرف خداست. عیسی در مقام پسر خدا تنها کاری را انجام می‌دهد که پدر از او خواسته است. او از قدرت خدا برای به انجام رساندن نقشه خدا استفاده می‌کند. و به همین خاطر، کار نجات‌بخش عیسی سندی است که خدای پدر نجات‌دهنده نهایی ماست. حال که به توصیف نجات و خدای نجات‌دهنده نگاهی انداختیم، بیایید به سومین مضمون اصلی در انجیل لوقا پردازیم یعنی به افراد مختلفی که نجات پیدا می‌کنند.

نجات‌یافتگان

در روزگار عیسی، هیچ کس از اینکه او نجات را به افراد صاحب قدرت و عزت در جامعه عرضه می‌کرد تعجب نمی‌کرد. هیچ کس نمی‌پرسید که چرا افرادی که سخت از قوانین خدا پیروی می‌کردند را نجات می‌داد. هیچکس حیرت‌زده نمی‌شد اگر عیسی افرادی را که جامعه یهودی از آنها نفرت داشت محکوم می‌کرد، منظور افرادی

بود که خدا برکات خود را از آنها دریغ کرده بود چون بعضی از آنها به سهم خودشان خطا کرده بودند. اما عیسی چنین کاری نکرد و یکی از مضامین اصلی در انجیل لوقا توجه عیسی به افراد حیرت‌زده‌ای بود که آنها را نجات داد و احترام و عزت باورنکردنی که برای آنها قائل شد.

یکی از چیزهای قابل ذکر در باره روایت لوقا اینه که به کمترین، آخرین و گمشده‌ترین‌ها خیلی علاقه داره و در اصل یکی از مضامین اصلی او همین موضوع تغییره. کمترین‌ها، آخرین‌ها و گمشده‌ترین‌ها قراره که بالاترین، اولین و شناخته‌ترین در ملکوت خدا باشند. لوقا، اگه بشه اینو گفت، واقعا به جنبه اخلاقی انجیل علاقمنده؛ اون به جنبه متمایز خدمت عیسی که قابل تحسین و اخلاقی است علاقه داره پس یکی از چیزهایی که قطعا در لوقا و اعمال رسولان که دو کتاب دوجلدی از لوقاست توجه به فقرا، زنان، و بیماران و سالمندان. هیچ شکی نیست که تکیه روی اینطور موارد در لوقا و اعمال خیلی بیشتره. منظورم اینه که وقتی سروکار ما با خوشابحال‌ها عیسی باشه، وقتی در متی تکیه بر خوشابحال مسکینان در روحه، در لوقا خوشابحال فقیران مطرحه. که این دغدغه اصلی لوقاست. لوقا نگران این موضوع است چون اعتقاد داره که نه تنها نجات به وسیله عیسی حاصل میشه بلکه عدالت هم از طرف اوست. اصلاح اشتباهات جامعه و سقوط انسان از طریق عیسی محقق میشه و لوقا می‌خواد تاکید کنه که عیسی منجی جهانیه. یا اگر بشه گفت، منجی همه است. فرقی نمی‌کنه که شما جزو سطح بالای جامعه و تحصیلکرده باشید یا آدم معروفی در جامعه، یا اینکه در پایین‌ترین سطح آن چون کار شما به یک ایستگاه ختم میشه و عیسی برای همه است و لوقا هم می‌خواد روی این مسئله تاکید کنه.

- دکتر بن ویتزینگتن

ما در این درس خودمان را فقط به چهار نوع از افرادی که لوقا مرتبا به آنها توجه نشان می‌دهد محدود می‌کنیم و کار را با امت‌ها شروع می‌کنیم.

عهد عتیق از امت‌ها سخن به میان می‌آورد که نهایتا وارد پادشاهی خدا و از نجات و برکات آن بهره‌مند شدند. اما یهودیان آن روزگار اسرائیل معمولا به امت‌ها از بالا نگاه می‌کردند و آنها را از برکات اصلی پادشاهی خدا محروم می‌دیدند.

قبل از اینکه لوقا انجیلش را بنویسید، کلیسای مسیحی جهانی عمدتا از امت‌های مسیحی شده تشکیل شده بود. در طول تاریخ، خدا به طرق شگفت‌انگیزی علاقه خود را به برکت دادن به امت‌ها نشان داده بود. و همانطور که در ابتدای این درس دیدیم، یکی از دلایل نوشتن این انجیل توسط لوقا اطمینان دادن به امت‌ها بودند از اینکه با مسیحی شدن مرتکب هیچ خطایی نشده‌اند. پس، لوقا در کل انجیلش توجه خاصی به مکان‌هایی دارد که نجات در آنجا به امت‌ها رسیده بود که همه اینها در راستای تحقق امید و ایده‌آل‌های موجود در عهد عتیق بودند.

برای مثال، در لوقا ۲: ۱۰-۱۴، فرشتگان اعلام کردند که شادی خبر خوش انجیل برای «همه امت‌ها» و برای «همه مردم زمین» خواهد بود. به جای اینکه فرشتگان بگویند که پادشاه تازه اسرائیل به دنیا آمده تا یهودیان را نجات بدهد، فرشتگان از اصطلاحی جهانی استفاده کردند. در لوقا ۲: ۳۲، شمعون اعلام کرد که عیسی نوزاد «نور مکاشفه امت‌ها» خواهد بود. و با اینکه همه چهار انجیل باب ۴۰ اشعیا را در داستان یحیی‌ای تعمیددهنده نقل کردند ولی فقط در لوقا ۳: ۶ این نقل قول ادامه داشت و کلمات «همه بشریت نجات خدا را خواهند دید» شامل شد. لوقا همچنین اشاره داشت که سامری‌ها، که یهودیان آنها را دشمن خود می‌دانستند، هم می‌توانند نجات پیدا کنند. برای مثال، در لوقا ۱۷: ۱۱-۱۹، عیسی ده جذامی را شفا داد اما تنها جذامی که برای تشکر از او برگشت سامری بود. و تنها لوقا مثل سامری نیکو را در باب ۱۰: ۳۰-۳۷ ثبت کرده که در آن سامری نمونه‌ای از محبت همسایه است.

بالتر از همه این موارد، وقتی امت‌ها ایمان واقعی به عیسی نجات‌دهنده را از خود نشان دادند لوقا چندین بار این کار به ثبت رسانده است. برای مثال، در لوقا ۷: ۹، عیسی به یوزباشی رومی گفت:

به شما می‌گویم، چنین ایمانی حتی در اسرائیل ندیده‌ام (لوقا ۷: ۹، ترجمه هزاره نو)

همانطور که قبلا در این درس دیدیم، لوقا نسب‌نامه عیسی را تا آدم ثبت کرده بود که نشان می‌داد که عیسی برای نجات کل نسل آدم که شامل یهودیان و غیریهودیان بود به این جهان آمده بود. دومین افراد حیرت‌زده‌ای که نجات را در انجیل لوقا دریافت کردند گناهکاران بودند. نکته مهم اینجاست که همه بشریت گناهکار است اما در روزگار عیسی کسانی وجود داشتند که گناهان آنها آنقدر بزرگ و عمومی بود که این آدم‌ها در اصل از طرف جامعه طرد شده بودند: مثل زن بدکاره در لوقا ۷: ۳۶-۵۰ و زکی باجگیر در لوقا ۱۹: ۱۹. باجگیران گناهکار بودند چون مالیاتی که از مردم برای امرار معاش می‌گرفتند به نرخی گزاف‌تر از آن چیزی بود که دولت معین کرده بود. اما عیسی حتی برای نجات آنها نیز آمده بود. او حاضر بود نجات را برای هر کسی که به ایمان توبه می‌کرد عطا کند.

به عنوان نمونه، به داستانی در لوقا ۵: ۲۹-۳۲ گوش کنید:

[لاوی] در خانه خویش ضیافتی بزرگ به افتخار عیسی برپا کرد، و جمعی بزرگ از خراجگیران و دیگر مردم، با آنها بر سفره نشستند. اما فریسیان و گروهی از علمای دین که از فرقه آنها بودند، شکوه‌کنان به شاگردان عیسی گفتند: چرا با خراجگیران و گناهکاران می‌خورید و می‌آشامید؟ عیسی پاسخ داد: بیماراند که به طبیب نیاز دارند، نه تندرستان.

من برای دعوت پارسایان نیامده‌ام، بلکه آمده‌ام تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم (لوقا ۵: ۲۹-۳۲، ترجمه هزاره نو)

سومین دسته از انسان‌های حیرت‌زده‌ای که در انجیل لوقا نجات یافتند زنان بودند. در دنیای منطقه شرقی مدیترانه قدیم یعنی جایی که عیسی در آنجا زندگی می‌کرد، زنان حقوق زیادی در جامعه نداشتند و ارزش زیادی برای آنها قایل نمی‌شدند. اما لوقا به نجاتی که عیسی برای آنها آورده بود اهمیت داد. در لوقا ۸: ۴۱-۵۳، عیسی دختر یایروس و زنی که دوازده سال به خونریزی مبتلا بود را شفا داد. او نسبت به بیوه‌زنان که در جامعه خاص آن دوران کمک و عملاً امیدی نداشتند توجه خاصی نشان داد. لوقا ۷: ۱۱-۱۷ و ۱۸: ۱-۱۸ توجه و نگرانی عیسی نسبت به مردم نیازمند را به تصویر می‌کشد.

روح خدا بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا فقیران را بشارت دهم. (لوقا ۴: ۱۸، ترجمه هزاره نو)

یکی از روش‌های تعلیمی جالب لوقا که نجات زنان را برجسته کرده مقایسه زنان فروتن با رهبران مرد مذهبی است. برای نمونه، در لوقا ۱۳: ۱۴-۱۵، عیسی رئیس کنیسه را ریاکار خطاب کرد. این در حالی است که در آیه بعد زن مفلوج را «دختر ابراهیم» صدا زد. ما مقایسه مشابهی در لوقا ۷: ۳۷-۵۰ می‌بینیم که عیسی پرستش زن بدکاره را می‌پذیرد در حالی که شمعون فریسی مغرور را محکوم می‌کند.

برای آخرین مثال از معنای محبت خدا، لوقا داستان مریم، دوست عیسی را می‌آورد. در لوقا ۱۰: ۲۷، عیسی دو فرمان اعظم را تعلیم داد که یکی خدا را محبت کردن و دومی محبت به همسایه بود. بعد، در آیات ۳۸-۴۲، مریم نمونه‌ای برای «خدا را محبت کردن» شد که به طور خاص این کار را با گوش دادن مطیعانه به تعالیم او انجام داد. نه پطرس، نه یوحنا و قطعاً نه رهبران یهودی بلکه یک زن الگوی عدالت بود.

بالاخره، چهارمین نمونه مردم شگفت‌زده که در انجیل لوقا نجات می‌یابند فقرا هستند. لوقا انجیل خود را با اشاره به اینکه خانواده مریم و یوسف فقیر بودند آغاز می‌کند. ما به این دلیل به این نتیجه می‌رسیم چون در لوقا ۲: ۲۴ قربانی تقدیمی که آنها به کنیسه آورده بودند قربانی تقدیمی مربوط به فقرا بود که در لاویان ۱۲: ۸ بدان اشاره شده بود.

لوقا همچنین نشان داد که عیسی فقرا را در مثل مرد ثروتمند نادان در لوقا ۱۲: ۱۳-۳۴، و در داستان مرد ثروتمند و ایلعاذر در لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ مورد توجه قرار داده است. دوباره به لوقا ۴: ۱۸ که قرائت عیسی از اشعیا ۶۱: ۱ است گوش کنید:

روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا فقیران را بشارت دهم. (لوقا ۴: ۱۸، ترجمه هزاره نو)

لوقا تنها انجیل نویسی بود که این واقعه را گزارش کرده است و به این دلیل این را آورده تا الگویی از خدمت کلی عیسی باشد. نکته او در اینجا بود که آوردن پادشاهی خدا اعلام خبر خوش نجات به فقراست. لوقا به دقت خاصی این نکته را خاطر نشان کرد که خدای عالم تجسم یافته تا حتی افراد منفور جامعه را نیز نجات بدهد. امت‌ها، گناهکاران، زنان و فقرا حقوق بسیار ناچیزی در جامعه یهودی داشتند و انتظار نداشتند که برکات عظیم پادشاهی خدا را به ارث ببرند. اما عیسی آن نظام ارزشی را رد کرد. عیسی پذیرش کامل و برکات بی‌پایان را به هر کسی که او را به عنوان نجات‌دهنده و خدای خود پذیرفت عطا کرد.

لوقا در میان همه نویسندگان اناجیل تاکید خاصی روی گروه‌های حاشیه‌ای جامعه فلسطینی روزگار خود داشت. مرتب می‌بینیم که روایت مربوط به مردها رو با روایت مربوط به زنان در کنار هم قرار می‌دهد. می‌بینیم که توجه خاصی به سامری‌ها و به فقرا نشون می‌دهد. مثلاً، این مثل را می‌بینیم که نشانی از انجیل لوقاست و فقط در انجیل او دیده می‌شود که درباره ایلعاذر و مرد ثروتمنده. و بعد دوباره، به مثل دیگه می‌بینیم که فقط در انجیل لوقاست، مثل سامری نیکو. با این حساب، همه روایت‌های تعالیم عیسی با موعظه برنامه‌ریزی شده در ناصره جفت و جور. عیسی می‌گه که من امروز اومدم و کلام خدا به حقیقت پیوسته و روح خدا بر من هست تا انجیل را به فقرا و آدم‌های دربند و بیچارگان اعلام کنم. عیسی به شاگرداش می‌گه که وقتی مهمانی به پا می‌کنی، برن و هر چی چلاق و فقیر هست به مراسم دعوت کنن. عیسی داره چیزی خیلی مهمی رو نشون می‌ده که در رابطه ما با دیگران که به صورت خدا آفریده شدن، نباید خودمون را بالاتر و بهتر از دیگران ببینیم. پولس هم همین را مطرح کرد. اما باید بدونیم که عیسی با فیض به همه جوانب جامعه کمک کرد و از شاگردانش هم خواست که همین کار رو بکنن. ما هم باید همین کارو بکنیم. عیسی چون با زناکاران و گناهکاران وقت گذاشت مورد تمسخر قرار گرفت ولی جواب او این بود که او برای عادلان نیامده بلکه برای گناهکاران. این فقط تامل در ماموریت عیسی برای رسیدگی به همه جوانب جامعه آن روزگار نبود بلکه حسی از اینه که واقعا کی هستیم و همینطور نیاز واقعی ما رو به دست میده. اینکه همه ما به فیض خدا نیاز داریم، اینکه ما نمی‌تونیم با کارهای خوب خودمون یا جایگاه خودمون در جامعه، لایق توجه خدا بشیم. به همین خاطر، همه ما در برابر خدا در یک سطح قرار داریم و باید با هم مهربان باشیم و به دیگران رسیدگی کنیم. چون همه ما نیاز مشابهی داریم.

- دکتر گرگ پری

نتیجه‌گیری

در این درس، انجیل لوقا را با بررسی پیشینه، نویسنده و مخاطبان اصلی و دلیل نوشتن آن کنکاش کردیم؛ موضوعاتی چون ساختار و محتوا، و مضامین اصل حول محور نجات را مورد بررسی قرار دادیم. اگر این موارد را هنگام خواندن انجیل لوقا به یاد داشته باشیم، درک بهتری از معنای آن و آمادگی بیشتری برای کاربرد عملی آن در زندگی خودمان در کلیسا و دنیا خواهیم داشت.

انجیل لوقا عیسی را به عنوان پسر پر جلال پدر معرفی می‌کند که به زمین آمد تا منجی پرمهر جهان باشد. او خبر خوش نجات خدا را بدون در نظر گرفتن قومیت، ثروت و جایگاه به همه بخشید. انجیل لوقا در روزگار خود به مسیحیان غیریهودی اطمینان داد که ایمان آنها به ماشیح یهودی کار خطایی نیست و این برای همه عصرها نیز مصداق دارد. از ابتدای قرن اول، بخش بزرگی از کلیسا، غیریهودی بوده و ما نیز اشتباه نکردیم. ما ایمانداران به مسیح وظیفه داریم همین خبر خوش توبه و ایمان را به همهٔ جهان برسانیم و بدانیم که این ما هستیم که تنها خبر واقعی نجات را در دست داریم.